

راویان و شیوخ شیعی بخاری

سید محمود مرعشی نجفی

و مادرش به بخارا بازگشتند و بخاری در مکه و حجاز ماند، تا از خرمین دانش عالمان و محدثان آن دیار خوشه برچیند.^۶ استادان و شیوخ بخاری متجاوز از هزار نفرند. او برای استفاده از این استادان، به بیشتر شهرهای مهم علمی سرزمین پهناور اسلامی آن زمان سفر کرد، که حتی اشاره به نام این استادان نیز در این مقال میسر نیست. از این رو، به برخی از شهرها و استادان وی اشاره می‌کنیم: او در بخارا پیش از این که سفر خود را در طلب حدیث آغاز کند، نزد عبدالله بن محمد بن عبدالله بن جعفر بن الیمان جُعی مُسِنِدی، محمد بن سلام بیکنندی و دیگران دانش آموخت. سپس در بلخ از مکی بن ابراهیم، در مرو از عبدان بن عثمان، علی بن الحسن بن شقیق و صدقه بن فضل، در نیشابور از یحیی بن یحیی، در ری از ابراهیم بن موسی، در بغداد از محمد بن عیسی بن طَبَّاع و سربج بن نعمان، در بصره از ابوعاصم نبیل و عبدالرحمن بن حماد شُعَیثی، در کوفه از عییدالله بن موسی و ابو نَعِیم و خالد بن مَخْلَد، در مکه از ابو عبدالرحمن مقری، خلاد بن یحیی، ازرقی و حمیدی، در

ابوعبدالله محمد بن اسماعیل بن ابراهیم بن مغیره بن بَرْدِزْبَه یا بَدْدُزْبَه یا یَزْدَبَه جُعی بخاری^۱ (۱۹۴ - ۲۵۶ ق / ۸۱۰ - ۸۷۰ م) محدث، فقیه، رجالی، حافظ، مورخ و دانشمند نامدار اسلام، که در بسیاری از علوم متداول زمان خود مهارت داشت.

نیای بزرگ وی، مُغیره، مجوسی بود و به دست یمان جُعی مسلمان شد. از این رو، به جعی نسبت داده شده و کلمه بردزبه یا بددزبه به معنای کشاورز است که نشان می‌دهد نیاکان وی کشاورز بوده‌اند.

مورخان زادگاه وی را دقیقاً مشخص نکرده‌اند، و گویا در سیزدهم شوال ۱۹۴ در بخارا، چشم به جهان گشود. و از همان دوران کودکی به کسب دانش و معرفت علاقه فراوانی داشت و از هوش و ذکاوت سرشاری برخوردار بود؛ چنان که در ۲۰۵ قمری، یعنی در نه سالگی، به استماع حدیث پرداخت و در شانزده سالگی، کتابهای ابن مبارک و وکیع را حفظ کرد؛ آن گونه که نوشته‌اند، وی در همان اوان کودکی و نوجوانی، حافظ هفتاد هزار حدیث بود.^۲ محمد بن بشار گوید: حافظان حدیث در دنیا چهار نفر بودند که از همه حافظان حدیث نامورترند: ابوزرعه رازی در ری، دارمی در سمرقند، مسلم در نیشابور و ابو عبدالله بخاری در بخارا.^۳ و احمد بن حنبل گوید: حفظ حدیث به چهار نفر از اهل خراسان منتهی شد: ابوزرعه رازی و محمد بن اسماعیل بخاری و عبدالله بن عبدالرحمن سمرقندی و حسن بن شجاع بلخی.^۴ او خود گوید: صد هزار حدیث صحیح و دوست هزار حدیث غیر صحیح را حفظ کردم.^۵

بخاری، پس از فراگیری علوم مقدماتی، گویا پس از شانزده سالگی، با مادر و برادر خود، برای انجام مراسم حج، به حجاز سفر کرد، و چنان که خود وی گفته، پس از مراسم حج، برادر

۱. الجرح و التعديل، ۱۹۱/۷؛ ثقات ابن حبان، ۱۱۳/۹؛ فهرست ابن ندیم، ص ۲۸۶؛ تاریخ بغداد، ۴/۲-۳۳؛ طبقات الحنابلة، ۱/۱-۲۷۱-۲۷۹؛ الانساب سمعانی، ۱۰۷/۳؛ اللباب، ۱/۱۲۵؛ تهذیب الاسماء و اللغات، ۱/۱-۶۷/۷۶؛ وفيات الاعیان، ۱۸۸/۴-۱۹۱؛ سير اعلام النبلاء، ۱۲/۳۹۱-۴۷۱؛ تذکرة الحفاظ، ۲/۵۵۵-۵۵۷؛ الوافی بالوفیات، ۲/۲۰۶-۲۰۹؛ تهذیب الکمال، ۲۴/۴۳-۴۶۷؛ طبقات الشافعية الكبرى، ۲/۲۱۲-۲۴۱؛ البداية و النهاية، ۱۱/۲۴-۲۶؛ تهذیب التهذیب، ۹/۴۷-۵۵؛ العبر، ۱۲/۱۲-۱۳؛ النجوم الزاهرة، ۳/۲۶-۲۵؛ طبقات الحفاظ، ص ۲۴۸-۲۴۹؛ طبقات المفسرين داودی، ۲/۱۰۰؛ امرأة الجنان، ۲/۱۶۷؛ مفتاح السعادة، ۲/۱۳۰؛ شذرات الذهب، ۲/۱۲۴-۱۳۶.

۲. سير اعلام النبلاء، ۱۲/۴۱۷.

۳. تاريخ بغداد، ۱۶/۲.

۴. تهذیب الکمال، ۲۴/۴۵۶.

۵. طبقات الحنابلة، ۱/۲۷۵.

۶. طبقات الشافعية الكبرى، ۲/۲۱۶.

استقبال از وی شتافتند و او را مورد احترام و تکریم قرار دادند، تا آن جا که ذُهلی به عالمان و محدثان نیشابور و حتی به شاگردان خود گفت که در مجلس درس و املای بخاری حاضر شوند و از او استفاده کنند. از این رو، گروه زیادی در جلسات درس وی حاضر شدند، و دیری نپایید که محافل درسی دیگر علما، از جمله جلسه درس ذُهلی خلوت شد و به شدت مورد حسادت قرار گرفت، و ذُهلی با حيله و تدبير، برای از میدان به در کردن بخاری، جمعی را واداشت تا درباره خلقت قرآن و عدم خلقت آن از بخاری سؤال کنند و بهانه‌ای برای اخراج وی، از نیشابور به دست آورد. و عاقبت هم بخاری را متهم کرد که به خلق الفاظ قرآن، اعتقاد دارد، و بخاری، پس از پنج سال اقامت در نیشابور و تدریس، مجبور شد که از نیشابور عزیمت کند و به بخارا برود.^۱

هنگام ورود به بخارا نیز به شدت مورد استقبال گرم عالمان، محدثان، مسئولان و مردم بخارا قرار گرفت، تا آن جا که در میان استقبال کنندگان شیرینی پخش کردند و درهم و دینار بر سر بخاری ریختند و او را مورد تجلیل قرار دادند و در جلسات درس وی حاضر شدند، اما در این جا نیز دیری نپایید که مورد حسادت دیگران قرار گرفت و عوامل مختلفی دست به هم داد تا عرصه را بر بخاری تنگ کنند. از یک سو، والی بخارا از آن رو که بخاری دعوت وی را برای تدریس فرزندان و خود او نپذیرفت، از وی خشمگین شد، و از سوی دیگر، محدثان و عالمان بخارا، چون موقعیت خود را در خطر می‌دیدند، به او حسادت ورزیدند و والی بخارا را، به او بیشتر بدبین ساختند، و از جانب دیگر، محمد بن یحیی ذُهلی، محدث بزرگ و نامدار نیشابور، در نامه‌ای که به والی بخارا نوشت، بخاری را متهم به ضدیت با سنت پیامبر کرد. این عوامل والی را واداشت تا حکم به اخراج بخاری بدهد، و بالاخره بخاری، از بخارا کوچ کرد، و به دعوت مردم سمرقند، به سوی آن دیار شتافت.

مدینه از عبدالعزیز اویسی، ایوب بن سلیمان بن بلال و در مصر از سعید بن ابی مریم، احمد بن اشکاب و أصیغ، در شام از ابوالیمان، آدم بن ابی ایاس، علی بن عیاش، بشر بن شعیب و گروه بسیاری دانش آموخت و حدیث شنید و کتابت کرد.^۱ مزنی فهرست مفصلی از استادان و شیوخ وی ارائه کرده است.^۲ چنان که از شاگردان او نیز فهرستی آورده است که برخی از آنان عبارت‌اند از: ابوعیسی ترمذی، ابوحاتم، ابراهیم بن اسحاق حریری، ابوبکر بن ابی الدنیا، ابوبکر احمد بن عمرو بن ابی عاصم، صالح بن محمد جزرة، محمد بن عبدالله حصرمی مُطین، ابراهیم بن معقل نسفی، عبدالله بن ناجیه، ابوبکر محمد بن اسحاق بن خزیمه، عمر بن محمد بن بُجیر، یحیی بن محمد بن صاعد، محمد بن یوسف فزیری راوی صحیح، منصور بن محمد مزیدة، ابوبکر بن ابی داود، حسین و قاسم فرزندان محاملی، عبدالله بن محمد بن اشقر، محمد بن سلیمان بن فارس، محمود بن عنبر نسفی و ... مسلم بن الحجاج نیز از وی روایت کرده است.^۳

بخاری از هیجده سالگی دارای آثار مکتوب بود، و در همین سال، کتابی درباره صحابه، تابعین و اقوال آنان نوشت.^۴ کتاب تاریخ خود را، هنگامی که در مدینه بود، به رشته تحریر درآورد و یکی از بزرگترین و مهمترین آثار او به شمار می‌رود.^۵ مهمترین اثر وی کتاب الجامع الصحیح است، که به گفته خود او تصنیف آن شانزده سال به طول انجامید^۶ و شامل بیش از هفت هزار حدیث صحیح است. این کتاب از همان آغاز، در میان محدثان و مسلمانان مقبولیت یافت و شهرت فراوانی پیدا کرد و نزد علما و فضلا از جایگاه خوبی برخوردار گردید؛ چنان که گروه بسیاری از عالمان و محدثان، به شرح، تلخیص و اختصار آن پرداختند، و تاکنون بیش از ۵۵ شرح بر آن نوشته‌اند و کتابهای زیادی نیز در استدراک، شروح و رجال آن به رشته تحریر درآورده‌اند.^۷ نسخه‌های نفیس و بسیار کهن و فراوان این کتاب، در کتابخانه‌های بزرگ جهان، از جمله در کتابخانه بزرگ آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره) در قم وجود دارد که در سده‌های ششم و هفتم و هشتم هجری کتابت شده است.

بخاری پس از مسافرت‌های گوناگون به شهرها و بلاد اسلامی، در سال ۲۵۰ هجری به نیشابور رسید، و مردم نیشابور، به تشویق محمد بن یحیی ذُهلی، بزرگترین عالم و محدث نیشابور، به

۱. سیر اعلام النبلاء، ۱۲/۳۹۴-۳۹۵.

۲. تهذیب الکمال، ۱/۴۳۱-۴۳۶.

۳. همان.

۴. تاریخ بغداد، ۷/۷.

۵. همان.

۶. سیر اعلام النبلاء، ۱۲/۴۰۵.

۷. رجال صحیح البخاری، ۱/۵-۸ (مقدمه).

۸. تاریخ بغداد، ۲/۲۹-۳۰؛ طبقات الشافعیة الکبری، ۲/۲۲۸-۲۳۱؛ سیر اعلام النبلاء، ۱۲/۴۵۳-۴۵۵-۴۵۸.

بخاری پس از چندی به روستای خَزْتَنک در دو فرسخی سمرقند رسید، و چون در آنجا برخی از اقوام وی زندگی می‌کردند، توقف کرد، از آن سو مردم سمرقند بر اثر سعایت و ضدیت عالمان و محدثان با بخاری به دو دسته تقسیم شدند: گروهی مخالف، و دسته‌ای هوادار ورود وی به سمرقند گشتند، و در نهایت به توافق رسیدند که بخاری را وارد سمرقند کنند، اما وقتی این خبر به بخاری رسید، بسیار ناراحت شد، و به گفته برخی از مورخان، بیمار گردید و در حالت بیماری از خداوند خواست که هرچه خیر است، برای او پیش آورد، و به قولی گفت: خدایا، زمین بر من تنگ شده، مرا نزد خویش فرا خوان، و طولی نکشید که در همان روستا، در ۶۲ سالگی و در سال ۲۵۶ هجری، چشم از جهان فرو بست، و در همان جا به خاک سپرده شد.^۱

بخاری در جامع الصحیح خویش به گفته نووی، ۷۵۷۳ حدیث مسند استخراج کرده است و کتاب خود را الجامع المسند الصحیح المختصر من امور رسول الله (ص) و سننه و ایامه نامیده است. به گفته بسیاری از عالمان و محدثان، این کتاب، نخستین تصنیف در صحیح مجرد بود و همگان متفق القول اند که صحیح کتابهای تصنیف شده در حدیث، دو کتاب صحیح بخاری و صحیح مسلم است، و از میان این دو کتاب، اصح همان صحیح بخاری است، البته برخی از محدثان مغرب صحیح مسلم را برتر از صحیح بخاری دانسته‌اند، اما سخن درست همان قول اول است.^۲

در این کتاب، بخاری از بیش از ۱۵۰۰ راوی، حدیث نقل کرده است، که عبارت‌اند از صحابه رسول الله (ص)، تابعین، اتباع تابعین، محدثان و راویان پس از آنان و جمع بسیاری از شیوخ و استادان خود او، که در میان این راویان گروهی از شیعیان و محدثان شیعی نیز قرار دارند، و ما در این مقال، برخی از مشاهیر صحابه، تابعین و اتباع آنان و راویان و شیوخ شیعی بخاری را که وی از آنان احادیثی در کتاب خود نقل کرده، استخراج و به ترتیب الفبایی ارائه خواهیم کرد.

۱. ابورافع قبطنی مدنی^۳ (متوفی اواخر نیمه سده اول هجری) در نام وی اختلاف است؛ او را ابراهیم، اسلم، سنان،

عبدالرحمان، ثابت و هرمز نامیده‌اند. کنیه وی ابورافع است. او مولی عباس بن عبدالمطلب بود که به پیامبر (ص) بخشید، از این رو به مولی النبی (ص) شهرت یافت، و چون خبر اسلام آوردن عباس بن عبدالمطلب را به پیامبر (ص) داد، آن حضرت وی را آزاد کرد.

وی از پیامبر اسلام (ص) و علی بن ابی طالب (ع) استماع حدیث کرده و از بزرگان و اخیار شیعه و موثقین صحابه است و نخستین صحابه شیعی است که به تدوین حدیث پرداخته و کتاب السنن و الاحکام و الفصایا را به روایت از علی (ع) تدوین کرده است.

او در تمامی غزوات پیامبر (ص) و مشاهد امیرالمؤمنین علی (ع) حاضر بود و در هشتاد و پنج سالگی، در رکاب امام علی (ع) به کوفه رفت و از طرف حضرت علی (ع) متصدی و خازن بیت‌المال گردید. گویا تا زمان امام حسن مجتبی (ع) نیز زنده بوده است، ولی به گفته بخاری، پیش از شهادت حضرت علی (ع) در گذشته است.

علی، حسن، رافع، عبیدالله و معتمر، فرزندان وی، حسن، صالح و عبیدالله، احفاد وی، و جمعی دیگر از او روایت کرده‌اند.

بخاری در کتاب صحیح خود، در موارد مختلفی از وی روایت نقل کرده است که به یک مورد اشاره می‌شود:

«حدَّثنا ابونعیم، حدَّثنا سفیان، عن ابراهیم بن میسرة، عن عمرو بن الشرید، عن ابی رافع، قال: قال النبی (ص): الجار احق بصقبه، و فی روایة اخرى، یقول: الجار احق بصقبه لا اعصیتک.»^۴

۱. تاریخ بغداد، ۳۱/۲-۳۳؛ سیر اعلام النبلاء، ۴۶۳/۱۲-۴۶۶؛ تاریخ الاسلام ذهبی (حوادث ۲۵۱-۲۶۰) ص ۲۷۰-۲۷۳.

۲. تهذیب الاسماء واللغات، ۷۵/۱/۱؛ سیر اعلام النبلاء، ۴۷۰/۱۲، پاورقی.

۳. نگاه کنید به رجال صحیح البخاری، دو جلدی، ص ۲۳-۲۳۸.

۴. معازی واقدی، ص ۲۱۴، ۳۷۸، ۷۴۰، ۸۲۸ به بعد؛ مسند احمد، ۸/۶-۱۰؛ و ۳۹۰-۳۹۳؛ طبقات ابن سعد، ۷۳/۴-۷۵؛ تاریخ ابن معین، ۷۰/۴/۲؛

الجرح و التمدیل، ۱۴۹/۲؛ تهذیب الکمال، ۳۰۱/۳-۳۰۲؛ الاستیعاب، ۶۸/۴؛

اسد الغابة، ۱۹۱/۵؛ الکاشف، ۲۹۴/۳؛ سیر اعلام النبلاء، ۱۶/۲-۱۷؛ تهذیب

التهذیب، ۹۲/۱۲-۹۳؛ تقریب التهذیب، ۴۲۱/۲؛ الاصابة، ۶۷/۴؛ رجال صحیح

البخاری، ۹۶/۱ (رقم ۱۰۸)؛ قاموس الرجال تستری، ۱۲/۲.

۵. صحیح بخاری، ۴۷/۳ (کتاب شفاعة، باب ۲)؛ ۶۵/۸-۶۶ (کتاب الحیل،

باب ۱۴ و ۱۵).

«صدوق شیعی».

بخاری در کتابهای بیوع، جهاد و ذکر بنی اسرائیل، از او روایاتی نقل کرده است. ابن حجر او را در طبقه هشتم ذکر کرده و گفته است که در سال ۱۹۴ هجری درگذشته، ولی ابن سعد و دیگران نوشته‌اند که وی در سال ۱۷۳، و ابوالاحوص بغوی گفته که در سال ۱۷۴ هجری درگذشته است. یکی از احادیث وی عبارت است از:

«حدثني محمد بن الصباح، عن اسماعيل بن زكريا، عن عبيد الله، عن نافع، عن ابن عمر، عن النبي (ص)، قال: السَّمع والطاعة حقٌّ ما لم يُؤمر بالمعصية، فإذا امر بمعصية فلا سمع ولا طاعة.»^۴

۴. جابر بن عبدالله انصاری^۵ (متوفی ۷۸ یا ۹۸ ق/ ۶۹۷ یا ۷۱۷ م)

جابر بن عبدالله بن عمرو بن حرام، ابو عبدالله سلمی انصاری مدنی. از اصحاب پیامبر اسلام (ص) که از آن حضرت حدیث شنیده است. همچنین از ابوبکر، عمر، ابی عبیده، طلحة، معاذ، عمار بن یاسر و جمعی دیگر نیز حدیث شنیده و روایت کرده

۱. طبقات ابن سعد، ۴۰۵/۶؛ تاریخ الکبیر بخاری، ۴۰۳/۱؛ تاریخ الثقات عجللی، ص ۶۲؛ الجرح والتعديل، ۲۳۴/۲؛ ثقات ابن حبان، ۱۱۲/۸؛ تهذیب الکمال، ۴۷۸/۲ - ۴۸۰؛ الکاشف، ۶۵/۱؛ تاریخ الاسلام ذهبی (حوادث و وفیات ۲۰۱ - ۲۱۰ ق)، ص ۵۶ - ۵۷؛ تهذیب التهذیب، ۲۵۰/۱؛ تقریب التهذیب، ۶۱/۱؛ رجال صحیح البخاری، ۷۸/۲ (رقم ۸۰)؛ قاموس الرجال تستری، ۷۸۳/۱.

۲. صحیح بخاری، ۱۶۵/۴ (کتاب المناقب فی صفة النبی (ص)، باب ۲۳).
۳. طبقات ابن سعد، ۳۲۶/۷؛ تاریخ ابن معین، ۳۴/۲؛ تاریخ الاسلام ذهبی (حوادث و وفیات ۱۷۱ - ۱۸۰ ق)، ص ۳۶ - ۳۸؛ تاریخ الکبیر بخاری، ۳۵۵/۱؛ الجرح والتعديل، ۱۷۰/۲؛ تاریخ اسماء الثقات ابن شاهین، ص ۵۲؛ تهذیب الکمال، ۹۲۳ - ۹۶؛ تاریخ الثقات عجللی، ص ۲۸؛ میزان الاعتدال، ۲۲۸/۱ - ۲۲۹؛ تهذیب التهذیب، ۲۹۷/۱؛ تقریب التهذیب، ۶۹/۱؛ رجال صحیح البخاری، ۶۷/۱ - ۶۸ (رقم ۶۱)؛ قاموس الرجال تستری، ۵۵/۲ - ۵۶.
۴. صحیح بخاری، ۷/۴ (کتاب الجهاد والسير، باب ۱۰۸).

۵. مسند احمد بن حنبل، ۲۹۲/۳؛ تاریخ ابن معین، ۷۴/۲ - ۷۵؛ طبقات ابن سعد، ۵۷۴/۳؛ تاریخ الثقات عجللی، ص ۹۳؛ ثقات ابن حبان، ص ۵۲؛ الجرح والتعديل، ۴۹۲/۲؛ معجم الکبیر طبرانی، ۱۸۰/۲؛ الاستیعاب، ۲۱۹/۱؛ اسد الغابة، ۲۵۶/۱ - ۲۵۸؛ تهذیب الکمال، ۴۴۳/۴ - ۴۵۴؛ سير اعلام النبلاء، ۱۸۹/۳ - ۱۹۴؛ الکاشف، ۱۲۲/۱؛ تهذیب التهذیب، ۴۲/۲ - ۴۳؛ تقریب التهذیب، ۱۲۲/۱؛ رجال صحیح البخاری، ۱۴۱/۱ (رقم ۱۷۴)؛ قاموس الرجال تستری، ۵۱۴/۲ - ۵۲۷؛ رجال طوسی، ص ۱۲، ۳۷، ۶۶، ۷۲، ۸۵؛ رجال برقی، ص ۲، ۳، ۷، ۸.

۲. ابو عبدالرحمان سلولی کوفی^۱ (متوفی ۲۰۴ یا ۲۰۵ ق/ ۸۱۹ یا ۸۲۰ م)

اسحاق بن منصور ابو عبدالرحمان سلولی کوفی. وی از ابراهیم یوسف بن اسحاق بن اسحاق، زهیر بن معاویه، حسن بن صالح، داود بن نصیر طائی و هُرَیم بن سفیان، استماع حدیث نموده و روایت کرده است. کسانی چون: احمد بن سعید، ابونعیم، فرزندان ابی شیبه، ابوکریب، قاسم بن زکریا بن دینار و عباس دوری، از او روایت کرده‌اند.

ابن معین درباره او گفته است: «لیس به بأس.» و عجللی او را ثقه و شیعه دانسته است. ابن حجر او را در طبقه نهم و راستگو دانسته، ولی نوشته است که درباره او به خاطر شیعه گری سخن گفته شده است. ذهبی نیز او را از ثقات و اعلام به شمار آورده است. وی در سال ۲۰۴ یا ۲۰۵ هجری درگذشته است.

بخاری در باب صفة النبی (ص) از او روایتی نقل کرده که به این شرح است:

«حدَّثنا احمد بن سعيد ابو عبدالله، حدَّثنا اسحاق بن منصور، حدَّثنا ابراهيم بن يوسف عن ابيه، عن ابن اسحاق، قال: سمعت البراء، يقول: كان رسول الله (ص) احسن الناس وجهاً و احسنهم خلقاً و خلقاً ليس بالطويل البائن ولا بالقصير.»^۲

۳. ابوزیاد خلیفانی اسدی^۳ (متوفی ۱۷۳ یا ۱۷۴ ق/ ۷۸۹ یا ۷۹۰ یا ۸۱۰ م)

به گفته خطیب بغدادی، اسماعیل بن زکریا، ابوزیاد خلیفانی اسدی کوفی، تاجری از اهل کوفه بود که در بغداد اقامت کرد. وی از عاصم احول، بُزید بن عبدالله بن ابی بَزَدَه، محمد بن سوقة، عبیدالله بن عمر، اعمش، اسماعیل بن ابی خالد و جمعی دیگر، حدیث شنیده و روایت کرده است. کسانی چون محمد بن صباح دولابی بغدادی، ابوریع زهرانی، سعید بن منصور، محمد بن بکار بن ریان، از او حدیث شنیده و روایت کرده‌اند.

نسائی درباره وی گفته است: «ارجو انه لا بأس به»، و ابوداود او را توثیق کرده و ابن عدی او را حسن الحدیث دانسته و ابن معین نیز او را توثیق نموده و ابن خراش او را صدوق به شمار آورده است و احمد بن حنبل نیز درباره او گفته است: «ما كان به بأس.» ذهبی در میزان الاعتدال گفته است:

است. او از اصحاب علی بن ابی طالب (ع)، حسن بن علی (ع)، حسین بن علی (ع)، علی بن الحسین (ع) و محمد بن علی (ع) بوده و از آنان حدیث شنیده و روایت کرده است. کسانی مانند عبدالرحمان، عقیل و محمد، فرزندان وی، و سعید بن مسیب، عمرو بن دینار، محمد بن منکدر، ابوجعفر باقر (ع) و گروه بسیاری از وی حدیث شنیده و روایت کرده‌اند. او در بسیاری از غزوات پیامبر (ص) شرکت داشته و در آخر عمر، نابینا شده و در سال ۷۸ هجری، در ۹۴ سالگی، درگذشته و ابان بن عثمان، والی مدینه، بر او نماز خوانده است.

بخاری در صحیح در موارد فراوانی از وی روایت نقل کرده است، که به یک مورد، اکتفا می‌کنیم:

«حدثنا مطرف ابو مصعب، قال: حدثنا عبدالرحمان بن ابی الموالی، عن محمد بن المنکدر، قال: رأیت جابر بن عبدالله، یصلی فی ثوب واحد وقال: رأیت النبی (ص) یصلی فی ثوب.»^۱

۵. ابوذر غفاری^۲ (متوفی ۳۲ ق/ ۶۵۳م)

جندب بن جناده یا جندب بن سکن و به قولی برید بن جناده، ابوذر غفاری مدنی. از اصحاب بزرگوار پیامبر اسلام (ص) و از یاران باوفای علی (ع) که از پیامبر (ص) و علی (ع) حدیث شنیده است.

کسانی چون انس بن مالک، احنف بن قیس، زید بن وهب، معروور بن سوید، خرشده بن حرّ از او حدیث شنیده و روایت کرده‌اند. او نخستین کسی است که به پیامبر اسلام با کلمه «السلام علیک» تحیت گفت. وی در خلافت عثمان به ربنده تبعید گردید و در همان جا، چشم از جهان فرو بست. شخصیت ابوذر و بزرگواری او شهره آفاق است و نیازی به معرفی بیش از این ندارد.

بخاری در کتاب ایمان و مواضع مختلفی از صحیح، از او حدیث نقل کرده است؛ از جمله در کتابهای علم، صلاة، مواقیت الصلاة، اذان، تهجد، جناز، زکاة، حج، استقراض، عتق، بدء الخلق، انبیاء، مناقب، مناقب الانصار، مغازی، تفسیر، ادب، استئذان، دعوات، رفاق، ایمان و نذور و توحید، که به یک مورد اکتفا می‌کنیم:

«حدّثنا سعد بن حفص، حدّثنا شیبان، عن منصور، عن ربیع بن حراش، عن خرشده بن الحرّ، عن ابی ذر، قال: کان

النّبی (ص) اذا اخذ مضجعه من اللیل، قال: باسمک نموت و نحیی، فاذا استیقظ، قال: الحمد لله الذی احيانا بعد ما اماتنا و الیه النّشور.»^۳

۶. ابوقتاده انصاری^۲ (متوفی ۵۴ ق/ ۶۷۴م)

حارث بن ربیع بن بلدمة بن خناس بن سنان بن عبید بن عدی بن غنم بن کعب بن سلمة سلمی خزرجی مدنی از اصحاب پیامبر (ص) و علی (ع) که برخی نام او را نعمان بن ربیع و بعضی او را عمرو بن ربیع خوانده‌اند.

از پیامبر (ص) و علی (ع) حدیث شنیده است. وی از معاذ بن جبل و عمر بن الخطاب نیز حدیث نقل کرده است. کسانی مانند عبدالله، فرزند وی، و ابوسلمة بن عبدالرحمان، عمرو بن سلیم، جابر بن عبدالله انصاری، عبدالله بن رباح انصاری و انس بن مالک از او روایت کرده‌اند.

او در جنگ احد و دیگر غزوات پیامبر (ص) شرکت کرد و در جنگهای حضرت علی (ع) نیز شرکت داشت و از طرف حضرت علی (ع) والی مکه شد، اما پس از چندی برکنار گردید و در هفتاد سالگی، در کوفه چشم از جهان فرو بست و علی (ع) بر او نماز خواند.

بخاری در کتابهای وضو، صلاة، مواقیت الصلاة، اذان، جمعه، تهجد، بیوع، هبه، جهاد، فرض الخمس، مغازی، طلاق، اطعمه، ذبائح، اضاحی، اشربه، طب، ادب، رفاق، ایمان و نذور،

۱. صحیح بخاری، ۹۴/۱ (کتاب الصلاة، باب ۳ به بعد).

۲. تاریخ ابن معین، ۷۰۴/۲؛ طبقات ابن سعد، ۲۱۹/۴ - ۲۳۷؛ مسند احمد، ۱۴۴/۵؛ تاریخ الکبیر بخاری، ۲۲۱/۲؛ معجم الکبیر طبرانی، ۱۴۷/۲ - ۱۵۸؛ الاستیعاب، ۲۱۳/۱ - ۲۱۷؛ اسد الغابة، ۳۰۱/۱ - ۳۰۳ - ۱۸۶/۵ - ۱۸۸؛ تهذیب الکمال، ۲۹۴/۳۳؛ الکاشف، ۲۹۳/۳؛ سیر اعلام النبلاء، ۴۶/۲ - ۷۸؛ تهذیب التهذیب، ۹۰/۱۲ - ۹۱؛ تقریب التهذیب، ۴۲۰/۲؛ الاصابة، ۶۲/۴ - ۶۴؛ کترالعمال، ۳۱۱/۱۳؛ الجرح والتعديل، ۵۱۰/۲؛ رجال صحیح البخاری، ۱۴۶/۱ - ۱۴۷ (رقم ۱۸۰)؛ رجال طوسی، ص ۱۳، ۳۶؛ رجال ابن داود، ص ۱، ۳؛ رجال حلی، ص ۳۶.

۳. صحیح بخاری، ۱۶۹/۸ (کتاب التوحید، باب ۱۳).

۴. طبقات ابن سعد، ۱۵/۶؛ مسند احمد بن حنبل، ۲۸۳/۴ و ۲۹۵/۵؛ تاریخ ابن معین، ۷۲۰/۲؛ تاریخ الکبیر بخاری، ۲۵۸/۲ - ۲۵۹؛ الجرح والتعديل، ۷۴/۳؛ معجم الکبیر طبرانی، ۲۷۰/۳ - ۲۷۳؛ الاستیعاب، ۱۶۱/۴ - ۱۶۲؛ اسد الغابة، ۲۷۴/۵ - ۲۷۵؛ سیر اعلام النبلاء، ۴۴۹/۲ - ۴۵۶؛ الاصابة، ۱۵۸/۴؛ تهذیب التهذیب، ۲۰۴/۱۲ - ۲۰۵؛ تقریب التهذیب، ۴۶۳/۲؛ کترالعمال، ۶۱۷/۱۳؛ رجال صحیح البخاری، ۱۸۷/۱ - ۱۸۸ (رقم ۲۴۲).

الحسين السجاد (ع)، محمد بن علي الباقر (ع) و جعفر بن محمد الصادق (ع) که از آنان حدیث شنیده و روایت کرده است. همچنین از ابن عباس، ابن عمر، انس بن مالک، ابوظیفیل، مجاهد، عطاء، ابن جبیر و زید بن ارقم نیز، حدیث شنیده و روایت نموده است. افرادی مانند مسعر، شعبه، ثوری، ابراهیم بن سعد بن ابی وقاص، اعمش، ابواسحاق شیبانی و ابن جریج از او روایت کرده‌اند.

ابن معین او را ثقة و حجت دانسته و ابن شاهین او را کوفی شمرده و توثیق کرده و ابن حجر در تقریب وی را ثقة و فقیه جلیل‌القدر شمرده است. ابن قتیبه او را در عناوین رجال و محدثان شیعه یاد کرده است. ذهبی نیز او را از ثقات تابعین دانسته است. وی در سال ۱۱۹، و در ماه مبارک رمضان، و به قولی در ۱۲۲ هجری، چشم از جهان فرو بست.

بخاری در کتابهای صوم، تفسیر و دیگر مواضع، از او حدیث نقل کرده است، که از آن میان می‌توان به این حدیث اشاره کرد:

«حدَّثنا احمد بن اسحاق السُّلمی، حدَّثنا یعلی، حدَّثنا عبدالعزیز بن سیاه، عن حبيب بن ابی ثابت، قال: اتیت ابا وائل اسأله، فقال کنا بصفین، فقال رجل الم تر الی الذین یدعون الی کتاب الله تعالی، فقال علی (ع): نعم، فقال سهل بن حنیف: اتمهوا انفسکم فلقد رأیتنا یوم الحُدیبیة، یعنی الصلح الذی کان بین النبی (ص) و المشرکین ولو نری قتالاً لقاتلناه، فجاء عمر، فقال: السنأ علی الحق وهم علی الباطل، الیس قتلانا فی الجنة وقتلهم فی النار، قال: بلی، قال: فقیم نُعطي الدنیا فی دیننا و نرجع

۱. صحیح بخاری، ۱/۱۱۴ (کتاب الصلاة، باب ۶۰).

۲. تاریخ ابن معین، ۲/۷۳۱؛ سیره ابن هشام، ۴/۸۹؛ تاریخ الکبیر بخاری، ۲/۲۵۸؛ مسند احمد بن حنبل، ۵/۲۱۷؛ الاستیعاب، ۴/۲۱۵؛ الجرح و التعذیل، ۳/۸۲-۸۳؛ امد الغایة، ۵/۳۱۹-۳۲۰؛ تهذیب الکمال، ۳۴/۳۸۶؛ الاصابة، ۴/۲۱۵-۲۱۶؛ تهذیب التهذیب، ۱۲/۲۷۰-۲۷۱؛ تقریب التهذیب، ۲/۴۸۶؛ رجال صحیح البخاری، ۱/۱۸۸ (رقم ۲۴۳)؛ قاموس الرجال تستری، ۳/۴۴.

۳. صحیح بخاری، ۱/۲۴ (کتاب العلم، باب ۸).

۴. طبقات ابن سعد، ۶/۳۲۰؛ تاریخ ابن معین، ۲/۹۶؛ تاریخ الکبیر بخاری، ۲/۳۱۳-۳۱۴؛ تاریخ الثقات عجلی، ص ۱۰۵؛ الجرح و التعذیل، ۳/۱۰۷-۱۰۸؛ ثقات ابن حبان، ۴/۱۳۷؛ تهذیب الکمال، ۱/۲۲۶؛ معارف ابن قتیبه، ص ۵۸۷، ۶۲۴؛ سیر اعلام النبلاء، ۵/۲۸۸-۲۹۱؛ الکاشف، ۱/۱۴۴؛ میزان الاعتدال، ۱/۴۵۱؛ تهذیب التهذیب، ۲/۱۷۸-۱۸۰؛ تقریب التهذیب، ۱/۱۴۸؛ رجال صحیح البخاری، ۱/۱۹۰-۱۹۱ (رقم ۲۴۶)؛ قاموس الرجال تستری، ۳/۷۸۳-۷۸۹؛ امالی شیخ مفید، ص ۱۵.

تعییر، احکام و توحید صحیح خود، از او روایت کرده است، که به یک مورد اکتفا می‌کنیم:

«حدَّثنا عبدالله بن یوسف، قال: اخبرنا مالک، عن عامر بن عبدالله بن الزبیر، عن عمرو بن سُلیم الزرقی، عن ابی قتادة السُّلمی: ان رسول الله (ص)، قال: اذا دخل احدکم المسجد فلیرکع رکعتین قبل ان یجلس.»^۱

۷. ابو واقد لیثی مدنی^۲ (متوفی ۶۸ ق / ۶۸۷ م)

حارث بن عمرو و به قولی حارث بن عوف و یاعوف بن حارث و یا ابن مالک ابو واقد لیثی مدنی از صحاب رسول الله (ص) که در جنگ بدر و دیگر غزوات پیامبر (ص) شرکت کرده بود. از پیامبر (ص) حدیث شنیده و روایت کرده و همچنین از ابوبکر، عمر، علی بن ابی طالب (ع) نیز روایت نموده است. کسانی چون عبدالملک و واقد، فرزندان وی، و عبیدالله بن عتبه، عطاء بن یسار، سنان بن ابی سنان، عروة بن زبیر، ابومرّه یزید مولی ام‌هانی، از وی روایت شنیده و نقل کرده‌اند.

او همان کسی است که به دلیل طرفداری سرسختانه‌اش از حضرت علی (ع)، معاویه سوگند خورد که اگر به او دست یابد، شکنجه‌اش خواهد کرد. او در مکه اقامت نمود و در ۶۵ یا ۷۰ یا ۷۵ یا ۸۵ سالگی، در سال ۶۸ هجری، چشم از جهان فرو بست.

بخاری در کتابهای علم و صلاة، از او حدیث نقل کرده است:

«حدَّثنا اسماعیل، قال حدَّثنی مالک، عن اسحاق بن عبدالله بن ابی طلحة، ان ابامرّة، مولی عقیل بن ابی طالب، اخبره عن ابی واقد اللیثی، ان رسول الله (ص) بینما هو جالس فی المسجد والناس معه، اذا قبل ثلاثة نفر، فاقبل اثنان الی رسول الله (ص) و ذهب واحد؛ قال: فوقفا علی رسول الله (ص) فاما احدهما فرأی فرجة فی الحلقة فجلس فیها و اما الآخر، فجلس خلفهم و اما الثالث، فادبر ذاهباً، فلما فرغ رسول الله (ص) قال: الا اخبرکم عن النفر الثلاثة، اما احدهم، فأوی الی الله، فأواه الله و اما الآخر، فاستحیا، فاستحیا الله منه و اما الآخر، فاعرض، فاعرض الله عنه.»^۳

۸. ابویحیی اسدی کاملی کوفی^۴ (متوفی ۱۱۹ ق / ۷۳۷ م)

حیب بن ابی ثابت قیس بن دینار، ابویحیی اسدی کاملی اعور کوفی، از تابعین و از اصحاب علی بن ابی طالب (ع)، علی بن

عبدالله بن عمر عمری، محمد بن جعفر بن کثیر، مالک، عبدالرحمان بن ابی الموالی، اسحاق بن حازم مدنی و جمعی دیگر روایت کرده، و افرادی چون محمد بن عثمان بن کرامه، ابوبکر بن ابی شیبه، احمد بن عثمان بن حکیم اودی، صالح بن محمد بن یحیی بن سعید قطان و گروه دیگری از وی روایت کرده‌اند.

عجلی او را شیعه و ثقه دانسته و ابن سعد گوید: وی در شیعه گری افراط می‌کرد و ابن حجر او را صدوق و شیعه و از بزرگان طبقه دهم به شمار آورده است. ابونعیم او را کوفی مذهب، یعنی شیعه دانسته است. وی از شیوخ بخاری بوده و در محرم سال ۲۱۳، در کوفه چشم از جهان فرو بست.

بخاری در کتابهای علم و رمایه و موارد دیگر از او نقل حدیث کرده است، که از جمله این حدیث است:

«حدَّثنا خالد بن مخلد، حدثنا سليمان، حدثنا عبد الله بن دينار، عن ابن عمر، عن النبي (ص) قال: انَّ من الشجر شجرة لا يسقط ورقها وَّانها مثل المسلم، حدثوني ما هي؟ قال: فوق الناس في شجر البوادي، قال عبدالله: فوق في نفسي انَّها النخلة، ثمَّ قالوا حدثنا ما هي يا رسول الله (ص) قال: هي النخلة.»^۶

۱. صحیح بخاری، ۴۵/۵ (تفسیر سوره ۵/۴۸، باب ۵).

۲. مسند احمد بن حنبل، ۳۸۲/۵ - ۴۰۸؛ طبقات ابن سعد، ۵۲۷/۵؛ ۵۰/۶؛ ۳۱۷/۷؛ تاریخ ابن معین، ۱۰۴/۲؛ تاریخ الکبیر بخاری، ۹۵/۳؛ معارف ابن قتیبه، ص ۲۶۳؛ نقات ابن حبان، ۸۰/۳؛ الاستیعاب، ۲۷۷/۱ - ۲۷۸؛ الجرح و التعديل، ۲۵۶/۳؛ معجم الکبیر طبرانی، ۱۸۵/۳ - ۱۸۹؛ اسد الغابة، ۳۹۰/۱ - ۳۹۲؛ تهذیب الکمال، ۴۹۵/۵ - ۵۱۰؛ الکاشف، ۱۵۲/۱؛ سیر اعلام النبلاء، ۳۶۱/۲ - ۳۶۹؛ تهذیب التهذیب، ۲۱۹/۲ - ۲۲۰؛ تقریب التهذیب، ۱۵۶/۱؛ الاصابه، ۳۱۷/۱ - ۳۱۸؛ کنز العمال، ۳۴۳/۱۳؛ رجال صحیح البخاری، ۲۱۳/۱ - ۲۱۴ (رقم ۲۷۹)؛ رجال کشی، ص ۳۶، ۳۸، ۹۴، ۴۲۰؛ قاموس الرجال تستری، ۱۴۱/۳ - ۱۴۸؛ مروج الذهب مسعودی، ۳۸۳/۲ - ۳۸۴.

۳. مروج الذهب، ۳۸۳/۲ - ۳۸۴.

۴. صحیح بخاری، ۲۱۴/۱ (کتاب جمعه، باب ۸).

۵. طبقات ابن سعد، ۴۰۶/۶؛ البر ذهی، ۳۶۴/۱؛ تاریخ الکبیر بخاری، ۱۷۴/۳؛ تاریخ الثقات عجلی، ص ۱۴۱؛ الجرح و التعديل، ۳۵۴/۳؛ نقات ابن حبان، ۲۲۴/۸؛ تاریخ اسماء الثقات ابن شاهین، ص ۱۱۶؛ تهذیب الکمال، ۱۶۳/۸ - ۱۶۷؛ میزان الاعتدال، ۶۴۰/۱؛ سیر اعلام النبلاء، ۲۱۷/۱۰؛ تهذیب التهذیب، ۱۱۶/۳؛ تقریب التهذیب، ۲۱۸/۱؛ رجال صحیح البخاری، ۲۲۹/۱ - ۲۳۰ (رقم ۳۰۴)؛ قاموس الرجال تستری، ۱۳۹/۴.

۶. صحیح بخاری، ۲۲/۱ (کتاب العلم، باب ۵).

و لما يحكم الله بيننا؟ فقال: يا ابن الخطاب، اني رسول الله و لن يُضَيِّعني الله ابدًا، فرجع متغيظًا، فلم يصبر حتى جاء ابابكر، فقال: يا ابابكر السنا على الحق و هم على الباطل؟ قال: يا ابن الخطاب، انَّه رسول الله (ص) و لن يضيِّعه الله ابدًا، فنزلت سورة الفتح.^۱

۹. حدیفة بن یمان عبسی کوفی^۲ (متوفی ۳۶ ق ۶۵۶م)

حدیفة بن یمان و یا حدیفة بن حسیل بن یمان، ابو عبدالله عبسی کوفی، از اصحاب رسول الله (ص) و علی بن ابی طالب (ع) که از آنان حدیث شنیده است. افرادی چون قیس بن ابی حازم، ابووائل، زید بن وهب، ابودریس خولانی، ربیع بن حراش، جابر بن عبدالله انصاری، عبدالرحمان بن ابی لیلی، همام بن حارث، یزید بن شریک تمیمی و گروه دیگری از او روایت کرده‌اند.

او در کوفه اقامت داشت و هنگامی که خبر بیعت مردم با علی (ع) را شنید، بیمار بود؛ به فرزندانش گفت: مرا به مسجد ببرید، و وقتی او را به مسجد بردند خطبه‌ای خواند، سپس مردم را به بیعت با علی (ع) تشویق و ترغیب کرد و پس از آن گفت: خدایا تو شاهد باش که من با علی (ع) بیعت کردم و پس از چهل روز، در مدائن چشم از جهان فرو بست.^۳ حضرت علی (ع) درباره او و سلمان، مقداد، ابوذر و عمار فرموده است: زمین بر آنان تنگ شد و من امام آنان هستم و آنها بودند که از فاطمه دختر پیامبر (ص) پشتیبانی کردند.

بخاری در کتابهای علم، وضو، صلاة، مواقی الصلاة، اذان، جمعه، تهجد، زکاة، صوم، بیوع، استقراض و اداء الديون، مظالم و غضب، جهاد، بدء الخلق، انبیاء، مناقب، فضائل اصحاب النبى (ص)، مناقب انصار، مغازی، تفسیر، فضائل القرآن، اطعمه، اشربه، لباس، ادب، استئذان، دعوات، رقاق، قدر، ایمان و ندور، دیات، فتن، اخبار آحاد، اعتصام و توحید صحیح خود، از او نقل حدیث کرده است که از آن جمله این حدیث است:

«حدَّثنا محمد بن کثیر، قال: اخبرنا سفیان، عن منصور و حصین، عن ابی وائل، عن حدیفة، قال: كان النبي (ص) اذا قام من الليل يشوص فاه.»^۴

۱۰. ابوهیثم کوفی^۵ (متوفی ۲۱۳ ق ۸۲۸م)

خالد بن مخلد، ابوهیثم قطوانی بجلی کوفی. وی از سلیمان بن بلال، مغیره بن عبدالرحمان و علی بن مسهر، حدیث شنیده و از

وابن حجر وی را ثقه و جلیل القدر شمرده است. خطیب بغدادی از قول عاصم نقل کرده که زر بن حبیش، علی را بسیار دوست می داشت و ابوائل عثمان را، و با این که همیشه با یکدیگر همنشینی داشتند، هیچ گاه با هم در این مورد سخن نمی گفتند.^۴ وی ۱۲۰ سال زیست و در سال ۸۲ هجری، چشم از جهان فرو بست.

بخاری در کتابهای بدء الخلق، تفسیر و موارد دیگری از او حدیث نقل کرده است؛ از آن جمله می توان به این حدیث اشاره کرد:

«حدَّثنا قتيبة، حدَّثنا ابو عوانه، حدَّثنا ابواسحاق شيباني، قال: سألت زَرَّ بْنَ حَبِيش، عن قول الله تعالى: «فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى، فَأَوْحَى إِلَى عَبْدِهِ مَا أَوْحَى»^۵ قال: حدَّثنا ابن مسعود، أنه رأى جبرئيل له ستمائة جناح.»^۶

۱۳. ابوبختری طائی کوفی^۷ (مقتول ۸۱ یا ۸۳ ق/ ۷۰۰ یا ۷۰۲ م)

سعید بن ابی عمران فیروز، ابوبختری طائی کوفی که در اصل اهل

۱. تاریخ ابن معین، ۱۷۱/۲؛ تاریخ الکبیر بخاری، ۴۵۰/۳؛ تاریخ خلیفه بن خیاط، ص ۳۵۴؛ طبقات خلیفه بن خیاط، ص ۱۶۲؛ الجرح و التعديل، ۶۲۳/۳؛ الإكمال ابن ماکولا، ۴۴۲/۷؛ میزان الاعتدال، ۶۶/۲؛ سير اعلام النبلاء، ۲۹۶/۵؛ تهذيب التهذيب، ۳۱۰/۳ - ۳۱۱؛ تقريب التهذيب، ۲۵۷/۱؛ رجال صحيح البخاری، ۲۷۶/۱ - ۲۷۷ (رقم ۳۷۹)؛ قاموس الرجال تستری، ۴۰۶/۴. ۲. صحيح بخاری، ۱۷/۱ - ۱۸ (کتاب الايمان، باب ۳۶).

۳. طبقات ابن سعد، ۱۰۴/۶ - ۱۰۵؛ تاریخ ابن معین، ۱۷۲/۲؛ مسند احمد بن حنبل، ۱۲۹/۵؛ تاریخ الکبیر بخاری، ۴۴۷/۳؛ تاریخ الثقات عجلی، ص ۱۶۵؛ معارف ابن قتیبه، ص ۴۲۷، ۴۴۹، ۵۳۰؛ الجرح و التعديل، ۶۲۲/۳؛ ثقات ابن حبان، ۲۶۹/۴؛ الاستیعاب، ۵۶۳/۲؛ اسد الغابة، ۳۰۰/۲؛ سير اعلام النبلاء، ۱۶۶/۴ - ۱۷۰؛ الاصابة، ۵۷۷/۱؛ تهذيب التهذيب، ۳۲۱/۳ - ۳۲۲؛ تقريب التهذيب، ۲۵۹/۱؛ رجال صحيح البخاری، ۲۷۴/۱ - ۲۷۵ (رقم ۳۷۵)؛ رجال طوسی، ص ۶۴؛ رجال حلی، ص ۷۶؛ رجال ابن داود، ص ۹۷؛ قاموس الرجال تستری، ۳۰۶/۴، ۴۱۳، ۴۱۵؛ نقد الرجال تفرشی، ۲۵۳/۲ - ۲۵۴. ۴. تاریخ بغداد، ۲۷۰/۹. ۵. نجم: ۹ - ۱۰.

۶. صحيح بخاری، ۸۳/۴ (کتاب بدء الخلق، باب ۷).

۷. طبقات ابن سعد، ۲۹۲/۶ - ۲۹۳؛ تاریخ ابن معین، ۲۰۶/۲؛ طبقات خلیفه بن خیاط، ص ۱۵۴؛ العلال و معرفة الرجال احمد بن حنبل (رقم ۱۰۶۱ و ۳۸۴۲)؛ تاریخ الکبیر بخاری، ۵۰۶/۳؛ تاریخ الثقات، ص ۴۹۰؛ الجرح و التعديل، ۵۴/۴؛ ثقات ابن حبان، ۲۸۶/۴؛ تهذيب الکمال، ۳۲/۱۱ - ۳۵؛ الکاشف، ۲۹۴/۱؛ سير اعلام النبلاء، ۲۷۹/۴ - ۲۸۰؛ تهذيب التهذيب، ۷۲/۴ - ۷۳؛ تقريب التهذيب، ۳۳۰/۱؛ رجال صحيح البخاری، ۲۸۹/۱ - ۲۹۰؛ رجال طوسی، ص ۱۰/۴۳؛ رجال برقی، ص ۶؛ منتهی المقال، ۳۴۲/۳؛ قاموس الرجال تستری، ۱۱۳/۵ - ۱۱۴.

۱۱. ابو عبدالرحمان یا ابو عبدالله یامی کوفی^۱ (متوفی ۱۲۲ یا ۱۲۴ ق/ ۷۴۰ یا ۷۴۲ م)

زید بن حارث ابو عبدالرحمان یا ابو عبدالله یامی کوفی از تابعین که از ابوائل، شعبی، مجاهد، ابراهیم نخعی، سعد بن عیبده، مرّة بن شراحیل، عبدالرحمان بن ابی لیلی و عمارة بن عمیر، حدیث شنیده و روایت کرده و افرادی مانند شعبه، ثوری، طلحة، جریر بن حازم، مسعر، منصور، مغیره، اعمش و نیز فرزندان عبدالله و عبدالرحمان از وی روایت کرده اند.

ابن معین، ابوحاتم، نسائی، یعقوب بن سفیان، ابن سعد و عجلی او را توثیق نموده اند و ذهبی او را از ثقات تابعین دانسته و گفته است: «فیه تشیع» و ابن حجر او را در طبقه ششم و از موثقین یاد کرده است.

جوزجانی او را از اهل کوفه دانسته و گفته است او جزو گروهی است که مذهبشان مورد قبول و ستایش مردم نیست و او از بزرگان محدثین کوفه است که به دلیل راستگویی، روایت از آنها نقل می کرده اند.

وی در ایام قیام زید بن علی بن الحسین (ع) در سال ۱۲۲ یا ۱۲۴ هجری درگذشته است.

بخاری در کتابهای ایمان، اضاحی و دیگر موارد از او حدیث نقل کرده، که از آن جمله این حدیث است:

«حدَّثنا محمد بن عرعة، حدَّثنا شعبه، عن زید، قال: سألت ابوائل عن المرجئة، فقال: حدَّثني عبدالله، أن النَّبِيَّ (ص) قال: سباب المسلم فسوق و قتاله كفر.»^۲

۱۲. زر بن حبیش اسدی کوفی^۳ (متوفی ۸۲ ق/ ۷۰۱ م)

زر بن حبیش ابومریم و گفته اند ابومطرف اسدی کوفی، از اصحاب پیامبر اکرم (ص) و علی بن ابی طالب (ع) که از آنان حدیث شنیده و روایت کرده است. همچنین از عبدالله بن مسعود، ابی بن کعب، عثمان، عمار بن یاسر، حدیفه، ابوذر، عباس و گروهی دیگر حدیث شنیده و روایت نموده و افرادی چون ابن ابی لبابه، ابواسحاق شیبانی، ابراهیم نخعی، عاصم بن بهدله، منهال بن عمرو، عیسی بن عاصم، عدی بن ثابت، زید یامی و دیگران از او روایت کرده اند. طوسی او را از ثقات اصحاب امیرالمؤمنین (ع) به شمار آورده است.

ابن معین، ابن سعد، عجلی و احمد بن حنبل او را ثقه دانسته اند

یمن بود. وی از خواص اصحاب علی بن ابی طالب (ع) بود که در واقعه جمجم (یوم دجیل) در سال ۸۱ یا ۸۳ هجری کشته شد. او از علی بن ابی طالب (ع)، ابن عباس و ابن عمر حدیث شنیده و روایت نموده و عمرو بن مزه از او روایت کرده است. برقی او را از خواص حضرت علی (ع) و از اصحاب آن حضرت به شمار آورده است.

ابن حجر در هدی الساری گوید: بخاری یک حدیث از او نقل کرده و ابن معین و دیگران او را ثقه و حجت دانسته‌اند. در جای دیگری گوید: وی تمایلات شیعه‌گری داشت و ثقه و ثبت است.

بخاری در کتاب سلم از او حدیثی نقل کرده است:

«حدَّثنا آدم، حدَّثنا شعبة، أخبرنا عمرو، قال: سمعت اباالبختری الطائنی، قال: سألت ابن عباس (رض) عن السَّلَمِ فی النَّخْلِ، قال: نهی النَّبِی (ص) عن بیع النَّخْلِ حتّی یؤکل منه و حتّی یوذّن، فقال الرَّجُل: و ای شیء یوذّن؟ قال: رجُل الی جانبه حتّی یحرّز، و قال معاذ: حدَّثنا شعبة عن عمرو، قال: ابوالبختری... مثله.»^۱

۱۴. ابو عبیدالله جرّمی کوفی^۲ (متوفی ۲۳۰ ق / ۸۴۵ م)

سعید بن محمّد ابو عبیدالله جرّمی کوفی، از شریک، عبدالرحمان بن عبدالملک بن ابجر (عبدالملک بن ابجر)، حاتم بن اسماعیل، عمرو بن ابی مقدام و عمرو بن عطیة العوفی، حدیث شنیده و روایت کرده است. کسانی مانند محمّد بن یحیی، ابوزرعة، ابن ابی الدّینا، عبدالله بن احمد بن حنبل، ابراهیم حربی و بخاری از او حدیث شنیده و روایت کرده‌اند. احمد بن حنبل او را صدوق و ابوداود او را ثقه و دیگران او را شیعه دانسته‌اند. ابن حجر او را صدوق دانسته ولی گفته است: «رمی بالتّشیع». خطیب بغدادی مطلبی را به او نسبت داده که هیچ شیعه‌ای چنین اعتقادی ندارد.

بخاری در کتابهای جهاد، خمس، مغازی و تعبیر، از او حدیث نقل کرده است، که از آن جمله می‌توان به این حدیث اشاره کرد:

«حدَّثنی سعید بن محمّد ابو عبیدالله الجرّمی، حدَّثنا یعقوب بن ابراهیم، حدَّثنا ابی صالح، عن ابی عبیدة بن نشیط، قال: قال

عبیدالله بن عبدالله: سألت عبدالله بن عباس (رض) عن رؤیا رسول الله (ص) فقال ابن عباس: ذکر لی أنّ رسول الله (ص) قال: بینا انا نائم رأیت أنّه وضع فی یدی سواران من ذهب، ففطعتهما و کرهتهما فأذن لی، فنفختهما فطارا فأولتھما کذّابین یخرجان، فقال عبیدالله: احدهما العنسی الذی قتله فیروز بالیمن و الآخر مسیلمة.»^۳

۱۵. ابو محمّد قرشی مخزومی مدنی^۴ (۱۵-۹۳ یا ۹۴ یا ۹۵ ق / ۶۳۶-۷۱۲ یا ۷۱۳ یا ۷۱۴ م)

سعید بن مسیب بن خزّان بن ابی وهب، ابو محمّد قرشی مخزومی مدنی. از اصحاب علی بن ابی طالب (ع) که از آن حضرت حدیث شنیده و روایت کرده است. همچنین از پدرش مسیب و عثمان بن عفان، حکیم بن حزام، عبدالله بن عمرو، ابوهریره، ابوسعید خدری و عایشه حدیث شنیده، و کسانی چون زهری، قتاده، عمرو بن مزه، طارق بن عبدالرحمان و دیگران از او حدیث شنیده و روایت کرده‌اند.

وی در سال ۱۵ هجری و در زمان خلافت عمر بن الخطاب چشم به جهان گشود و زیر نظر علی بن ابی طالب (ع) تربیت شد. گویند که جد وی خزّان به او توصیه کرد که همراه و در خدمت علی (ع) باشد. او بعدها در صف یاران و خواص اصحاب امام سجاد علی بن الحسین (ع) قرار گرفت. در تاریخ مرگ وی اختلاف است. ابونعیم مرگ او را در سال ۹۳ و ابن بکیر در ۹۴ یا ۹۵ هجری نوشته‌اند. او داماد ابوهریره بود.

۱. صحیح بخاری، ۴۵/۳ (کتاب السّلم، باب ۳ و ۴ و ۵).

۲. تهذیب الکمال، ۴۵/۱۱؛ تاریخ الکبیر بخاری، ۵۱۴/۳؛ الجرح و التعذیل، ۵۹/۴؛ ثقات ابن حبان، ۲۶۸/۸؛ سیر اعلام النبلاء، ۶۳۷/۱۰؛ الکاشف، ۳۷۱/۱؛ تهذیب التهذیب، ۷۶/۴ - ۷۷؛ میزان الاعتدال، ۱۵۷/۲؛ تاریخ الاسلام ذهبی (حوادث و وفیات ۲۲۱ - ۲۳۰ ق)، ص ۱۸۳ - ۱۸۴؛ تقریب التهذیب، ۳۰۴/۱؛ رجال صحیح البخاری، ۲۹۱/۱ - ۲۹۲ (رقم ۴۰۱)؛ قاموس الرجال تستری، ۱۱۷/۵ - ۱۱۸.

۳. صحیح بخاری، ۸۱/۸ (کتاب التعبیر، باب ۳۸).

۴. طبقات ابن سعد، ۱۱۹/۵ - ۱۴۳؛ تاریخ ابن معین، ۲۰۷/۲ - ۲۰۸؛ تاریخ الکبیر بخاری، ۵۱۰/۳ - ۵۱۱؛ معارف ابن قتیبه، ص ۴۳۷؛ الجرح و التعذیل، ۵۹/۴ - ۶۱؛ سیر اعلام النبلاء، ۲۱۷/۴ - ۲۴۶؛ الکاشف، ۲۹۶/۱؛ تهذیب التهذیب، ۸۴/۴ - ۸۸؛ تقریب التهذیب، ۳۰۵/۱ - ۳۰۶؛ رجال صحیح البخاری، ۲۹۲/۱ (رقم ۴۰۲)؛ رجال کشی، ص ۱۰۷ - ۱۱۰؛ الکافی، ۴۷۲/۱؛ قاموس الرجال تستری، ۱۲۱/۵ - ۱۲۳؛ منتهی المقال، ۳۴۴/۳ - ۳۴۷؛ وفیات الاعیان، ۱۱۷/۲.

و آخر را دریافت، و او از ما اهل بیت است.

بخاری در کتابهای جمعه، سجود القرآن، تهجد، صوم، بیوع، مناقب الانصار، تفسیر و ادب از او حدیث نقل کرده است، که از آن جمله می‌توان به این حدیث اشاره کرد:

«حدَّثنا عبدان، قال: اخبر ابو عبد الله، قال: اخبرنا ابن ابي ذئب، عن سعيد المقبري، عن ابيه، عن ابن وديعة، عن سلمان الفارسي، قال: قال رسول الله (ص): من اغتسل يوم الجمعة و تطهر بما استطاع من طهر ثم اذن او مس من طيب، ثم راح فلم يفرق بين اثنين، فصلّى ما كتب له، ثم اذا خرج الامام انصت، غفر له ما بينه و بين الجمعة الاخرى.»^۳

۱۷. ابویحییٰ حصرمی کوفی^۴ (متوفی ۱۲۱ یا ۱۲۲ یا ۱۳۱ ق / ۷۳۹ یا ۷۴۰ یا ۷۴۹ م)

سلمة بن كهيل بن حصين حصرمی تبعی کوفی. از اصحاب، علی بن الحسین (ع)، محمد بن علی الباقر (ع) و جعفر بن محمد الصادق (ع) که از آنان حدیث شنیده و روایت کرده است. همچنین از کسانی مانند جندب بن عبدالله، ابوجحیفه، سويد بن غفله، شعبی و عطاء بن ابی رباح نیز حدیث شنیده و روایت نموده است. افرادی چون اسماعیل بن ابی خالد، شعبه، ثوری

عالمان و محدثان اسلامی به ستایش از او پرداخته‌اند و احادیث مرسل وی را پذیرفته‌اند، زیرا همگی او را توثیق کرده‌اند. ابن حجر گوید: وی یکی از علمای اثبات و از فقهای بزرگ و از بزرگان طبقه دوم و از تابعین است. ابن مدینی گوید: در میان تابعین کسی را عالمتر از او نیافتم. امام سجّاد (ع) درباره او می‌فرماید: سعید بن مسیب داناترین مردم به آثار گذشته و فقیه‌ترین فرد زمان خود بود. امام رضا (ع) درباره او و قاسم بن محمد بن ابی بکر و ابو خالد کابلی گوید: از ثقات اصحاب علی بن الحسین (ع) بودند. ذهبی او را سید تابعین، ثقه، حجت و فقیه دانسته است.

بخاری در کتابهای علم، وضو، جزاء، حج، صوم، بیوع، استقرار و اداء الدیون، شهادت، شروط، بده‌الخلق، انبیاء، مناقب، مغازی، تفسیر، نکاح، طلاق، ذبائح، مرض، طب، لباس، رفاق، ادب، ایمان و ندور، فتن، اعتصام و توحید از او حدیث نقل کرده، که یکی از آن احادیث به این شرح است:

«حدَّثنا الحمیدی، حدَّثنا سفیان، حدَّثنا الزهري، عن سعيد بن المسيب، عن ابي هريرة، قال: قال النبي (ص): قال الله تعالى: يؤذني ابن آدم يسب الدهر و انا الدهر، يبدى الامر اقلب الليل و النهار.»^۱

۱۶. سلمان فارسی^۲ (متوفی ۳۷ ق / ۶۵۷ م)

سلمان الخیر ابوعبدالله فارسی، از بزرگان اصحاب رسول الله (ص) و از یاران باوفای علی بن ابی طالب (ع) که نیازی به تعریف و توصیف ندارد. وی در اصل اهل رامهرمز یا اصفهان است. او به مدینه آمد و عبد بنی قریضه بود و هنگامی که پیامبر اسلام (ص) به مدینه هجرت کرد، اسلام آورد و پیامبر (ص) او را آزاد ساخت و بعد از آن جزو اصحاب خاص پیامبر (ص) گردید. پس از پیامبر (ص) در شمار یاران و خواص اصحاب علی (ع) قرار گرفت و از طرف عمر بن الخطاب به حکومت مدائن منصوب شد و در همان جا در زمان خلافت عثمان، در سال ۳۷ هجری، چشم از جهان فرو بست.

او از پیامبر (ص) و علی بن ابی طالب (ع) حدیث شنیده و روایت کرده است. ابوعثمان نهدی در باب هجرت و عبدالله بن ودیعه در جمعه از او حدیث نقل کرده‌اند.

امام صادق (ع) درباره او فرموده است: سلمان، علم اول

۱. صحیح بخاری، ۱۹۷/۸ (کتاب التوحید، باب ۳۵).

۲. طبقات ابن سعد، ۷۵/۴ - ۹۳ - ۱۶/۶ - ۱۷؛ مستد احمد بن حنبل، ۴۳۷/۵ - ۴۴۴؛ تاریخ الکبیر بخاری، ۱۳۵/۴ - ۱۳۶؛ معارف ابن قتیبه، ص ۲۷۰؛ الجرح و التعديل، ۲۹۶/۴ - ۲۹۷؛ معجم الکبیر طبرانی، ۲۶۰/۶ - ۳۰۵؛ الاستیعاب، ۵۶/۲ - ۵۶؛ امد الغابة، ۳۲۸/۲ - ۳۳۲؛ تاریخ بغداد، ۱۶۳/۱ - ۱۷۱؛ تهذیب الکمال، ۵۲۰/۱ - ۵۲۱؛ سیر اعلام النبلاء، ۵۰۵/۱ - ۵۵۸؛ الکاشف، ۳۰۴/۱؛ تاریخ الاسلام ذهبی (عهد خلفاء الراشدین)، ص ۵۱۰ - ۵۲۱؛ تهذیب التهذیب، ۱۳۷/۴ تا ۱۳۸؛ تقریب التهذیب، ۳۱۵/۱؛ الاصابه، ۶۲/۲؛ کنز العمال، ۴۲۱/۱۳؛ رجال صحیح البخاری، ۳۲۶/۱ (رقم ۴۵۶)؛ رجال شیخ طوسی، ص ۲۰، ۴۳؛ رجال کشی، ص ۱۲، ۱۶، ۱۸ به بعد؛ منتهی المقال، ۳۶۴/۳ - ۳۶۹.

۳. صحیح بخاری، ۲۱۸/۱ (کتاب الجمعة، باب ۱۹).

۴. طبقات ابن سعد، ۳۱۶/۶؛ تاریخ ابن معین، ۲۲۶/۲؛ تاریخ الکبیر بخاری، ۷۴/۴؛ تاریخ الصغیر بخاری، ۳۱۱/۱؛ الجرح و التعديل، ۱۷۰/۴؛ المعرفة و التاريخ، ۷۰۲/۱؛ سیر اعلام النبلاء، ۲۹۸/۵؛ تاریخ الاسلام ذهبی (حوادث و وفيات ۱۲۱ - ۱۴۰ ق)، ص ۱۲۰؛ تهذیب التهذیب، ۱۵۵/۴؛ تقریب التهذیب، ۳۱۸/۱؛ ثقات ابن شاهین، ص ۱۰۲ (رقم ۴۷۴)؛ رجال صحیح البخاری، ۳۲۱ - ۳۲۰/۱ (رقم ۴۴۶)؛ رجال کشی، ص ۲۳۲، ۲۴۰؛ الکافی، ۳۹۹/۱؛ قاموس الرجال تستری، ۲۱۸/۵ - ۲۲۲؛ منتهی المقال، ۳۷۲/۳ - ۳۷۳؛ رجال طوسی، ص ۴۳، ۹۱، ۱۲۴، ۲۱۱؛ رجال برقی، ص ۴؛ رجال ابن داود، ص ۱۰۵؛ ۲۴۸.

و گروه زیادی از او حدیث نقل کرده‌اند.

احمد بن حنبل او را متقن و ابن معین وی را ثقه و عجللی نیز او را ثقه، ثبت و از ثقات کوفه دانسته که تمایلات شیعی‌گری داشته است. ابن سعد نیز او را ثقه و کثیرالحدیث به شمار آورده و ابوزرعه او را ثقه مأمون، و ابوحاتم وی را ثقه متقن دانسته‌اند و ابن شیهه گفته است که او ثقه و ثبت است، با این‌که شیعه بوده است. نسائی نیز او را ثقه و ثبت شمرده و ابن حجر او را از طبقه چهارم به شمار آورده است.

بخاری در کتابهای بیوع، رفاق، اصاحی، وكالة، لقطه و دیگر مواضع از او حدیث نقل کرده، که یکی از آنها این حدیث است: «حدَّثنا آدم، حدَّثنا شعبه و حدَّثنا محمد بن بشار، حدَّثنا غنْدَر، حدَّثنا شعبه، عن سلمة، سمعت سويد بن غفلة، قال: لقيت ابي بن كعب (رض) عنه، فقال: اخذت صُرَّةَ مائة دينار، فاتيته النبي (ص) فقال: عَرَفَهَا حَوْلًا، فَعَرَفْتَهَا حَوْلَهَا فلم اجد من يعرفها، ثم اتيته، فقال: عَرَفَهَا حَوْلًا، فَعَرَفْتَهَا، فلم اجد ثم اتيته ثلاثًا، فقال: احفظ وعائنا و عددنا و وكائنا، فان جاء صاحبها، و الا فاستمع بها...»^۱

۱۸. ابومطرف خزاعی کوفی^۲ (مقتول ۹۷ ق / ۷۱۶م)

سلیمان بن صُرْد بن جون بن منقذ بن ربیعة بن اصرم بن حرام خزاعی، ابومطرف کوفی. از اصحاب پیامبر اکرم (ص) که از آن حضرت و علی بن ابی طالب (ع)، حسن بن علی (ع)، ابی بن کعب و جبیر بن مطعم، حدیث شنیده و روایت کرده است. افرادی چون اسحاق سیعی، یحیی بن یعمر، عدی بن ثابت، عبدالله بن یسار جهنی و دیگران حدیث از او شنیده و روایت کرده‌اند.

ذهبی و دیگران او را به پارسایی، دینداری و صالح بودن ستوده‌اند. ابن عبدالبرّ نوشته است که وی از اخیار و فاضل بود و پیامبر (ص) او را سلیمان نامید و در کوفه ساکن شد و در میان قوم خود از مقام و جلالت و شرافت زیادی برخوردار بود.

جزری نوشته است که وی در همه مشاهد جمل، صفین و نهروان علی را یاری کرد، اما برخی نوشته‌اند که در جنگ جمل حضور نداشت. او از جمله کوفیانی بود که به حسین بن علی (ع) نامه نوشت و به کوفه دعوت کرد، ولی خود به یاری

آن حضرت برنخاست و بعد پشیمان شد و توبه کرد و در کوفه قیام نمود و ریاست توأیین را به عهده گرفت، تا انتقام خون حسین بن علی (ع) را از قاتلان وی بازستاند و بالاخره در سال ۹۷ هجری به همراه مختار بن ابی عبیده ثقفی کشته شد.

بخاری در کتابهای اذان، بدء الخلق، مغازی و ادب از او حدیث نقل کرده است، که به یکی از آنها اشاره می‌شود: «حدَّثنا ابو نَعِيم، حدَّثنا سفیان، عن ابی اسحاق، عن سلیمان بن صُرْد، قال: قال النبي (ص): يوم الاحزاب نغزوه و لا يغزونا.»^۳

۱۹. ابو محمد اعمش کاهلی^۴ (۱۴۷ یا ۱۴۸ یا ۱۴۹ ق / ۶۸۱-۷۶۴ یا ۷۶۵ یا ۷۶۶م)

سلیمان بن مهران، ابو محمد اعمش اسدی کاهلی کوفی. از اصحاب امام صادق (ع). او از سعید بن جبیر، شعبی، ابراهیم، ابوائل، مجاهد و ابوصالح حدیث شنیده و روایت کرده است و کسانی مانند شعبه، ثوری، ابن عیینه، ابوعوانه حفص بن غیاث و جریر، از او حدیث شنیده و روایت کرده‌اند.

ابن معین، نسائی و دیگران او را موثق دانسته‌اند و ابن حجر او را ثقه، حافظ و عارف به قرائت به شمار آورده، ولی گفته است که او تدلیس می‌کرد و از طبقه پنجم بود. خطیب بغدادی از

۱. صحیح بخاری، ۹۲/۲ (کتاب اللقطة، باب ۱ و ۱۰).

۲. طبقات ابن سعد، ۲۹۲/۴؛ ۲۵/۶؛ مسند احمد بن حنبل، ۲۶۲/۴ و ۱۲۴/۵؛ تاریخ الکبیر بخاری، ۱/۴؛ الجرح والتعديل، ۱۲۳/۴؛ الاستیعاب، ۶۳/۲-۶۵؛ معجم الکبیر طبرانی، ۱۱۴/۷-۱۱۷؛ تاریخ بغداد، ۲۰۰/۱-۲۰۲؛ سیر اعلام النبلاء، ۳۹۴/۳-۳۹۵؛ اسد الغابة، ۵۵۱/۲؛ تهذیب الکمال، ۴۵۴/۱۱-۴۵۷؛ تاریخ الاسلام ذهبی (حوادث و وفیات ۶۱-۸۰ ق)، ص ۱۲۲-۱۲۳؛ تهذیب التهذیب، ۲۰۰/۴-۲۰۱؛ تقریب التهذیب، ۳۲۶/۱؛ الاصابة، ۷۵/۲-۷۶؛ رجال صحیح البخاری، ۳۰۷/۱-۳۰۸ (رقم ۴۲۷)؛ رجال طوسی، ص ۲۰، ۳۸، ۴۳؛ اختیار معرفة الرجال، ص ۶۹؛ منتهی المقال، ۳۹۹/۳؛ قاموس الرجال تستری، ۲۷۷/۵-۲۸۳؛ مصنفات شیخ مفید، ۱۰۸/۱ (جمل).

۳. صحیح بخاری، ۴۸/۵ (کتاب المغازی، باب ۲۹).

۴. طبقات ابن سعد، ۳۴۲/۶؛ تاریخ ابن معین، ۲۳۴/۲؛ طبقات خلیفه بن خیاط، ص ۱۶۴؛ تاریخ خلیفه بن خیاط، ص ۲۳۲، ۴۲۴؛ تاریخ الکبیر بخاری، ۳۷/۴؛ الجرح والتعديل، ۱۴۶/۴؛ تاریخ بغداد، ۳/۹؛ سیر اعلام النبلاء، ۲۲۶/۶؛ تاریخ الاسلام (حوادث و وفیات ۱۴۱-۱۶۰ ق)، ص ۱۶۱-۱۶۷؛ میزان الاعتدال، ۲۲۴/۲؛ غایة النهایة، ۳۱۵/۱؛ تهذیب التهذیب، ۲۲۲/۴؛ تقریب التهذیب، ۳۳۱/۱؛ رجال صحیح البخاری، ۳۱۱/۱ (رقم ۴۳۲)؛ تهذیب الکمال، ۸۱۷/۱۲؛ منتهی المقال، ۴۰۳/۳؛ قاموس الرجال تستری، ۲۹۷/۵-۲۹۹؛ بحار الانوار، ۱۹۶/۳۹.

واهوی بیده قبل العراق: يخرج منه قوم يقرأون القرآن لايجاوز تراقيهم، يمرقون من الاسلام مروق السهم من الرمية.^۳

۲۱. ابن ابی لیلی انصاری کوفی^۴ (مقتول ۸۳ ق / ۷۰۲ م)

عبدالرحمان بن ابی لیلی انصاری کوفی، ابو عیسی یا ابو محمد فقیه مقری که در نام پدر وی اختلاف است، بعضی نام پدرش را یسار و برخی داود بن بلال مولی بنی عمرو بن عوف انصاری دانسته‌اند. وی از اصحاب امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع) بود که از آن حضرت حدیث شنیده و روایت کرده و گویا در مشاهد آن حضرت نیز شرکت داشته و از تابعین بزرگ به شمار می‌رود. او از عمر، ابن مسعود، ابوذر، اُبی بن کعب، سهل بن حنیف، صهیب، قیس بن سعد بن عبادة، ابویوب، مقداد، براء بن عازب، ام‌هانی و معاذ، حدیث شنیده و روایت کرده است. مجاهد، عمرو بن مرّة، حکم، عبدالله بن عیسی بن عبدالرحمان نوة خودش، عبدالملک بن عمیر و اعمش از او حدیث شنیده و روایت کرده‌اند. او خود گوید: ۱۲۰ تن از اصحاب پیامبر (ص) را که از انصار بودند، درک کردم.

حجاج بن یوسف ثقفی او را تازیانه زد، تا علی بن ابی طالب (ع) را لعن کند، ولی او با تدبیر از این دام جَست

عجلی نقل کرده که سلیمان بن مهران ثقه بود و در زمان خود، محدث اهل کوفه به شمار می‌رفت و گفته‌اند که چهار هزار حدیث از او نقل شده است. سپس اضافه کرده که او تمایلات شیعی داشت و پدر وی، مهران، در واقعه کربلا همراه حسین بن علی (ع) بود.

بخاری در کتابهای ایمان، جنائز، بیوع، جزیه، تفسیر، ذبائح، اشربه، ادب، ایمان و نذور و اعتصام از او حدیث نقل کرده، که این حدیث از آن جمله است:

«حدَّثنا قبيصة بن عقیبة، قال: حدثنا سفیان، عن الاعمش، عن عبدالله بن مرّة، عن مسروق، عن عبدالله بن عمرو، انّ النبی (ص) قال: اربع من كنّ فيه كان منافقاً خالصاً و من كانت فيه خصلة منهنّ كانت فيه خصلة من النفاق، حتّى يدعها: اذا ائتمن خان و اذا حدث كذب و اذا عاهد غدر و اذا خاصم فجر. تابعه شعبة عن الاعمش.»^۱

۲۰. سهل بن حنیف انصاری کوفی اوسی^۲ (متوفی ۳۸ ق / ۶۵۸ م)

سهل بن حنیف بن واهب بن العکیم بن ثعلبة انصاری کوفی اوسی که کنیه او را ابو ثابت، ابوسعید، ابو عبدالله و ابوالولید نوشته‌اند. از اصحاب رسول الله (ص) که در جنگ بدر نیز شرکت داشته است. او از اصحاب علی بن ابی طالب (ع) نیز شمرده می‌شود و حضرت علی (ع) او را به حکومت مدینه منصوب کرد و آن‌گاه که در سال ۳۸ هجری، در کوفه چشم از جهان فرو بست، حضرت علی (ع) بر او نماز خواند، و در نماز بر او، ۲۵ تکبیر گفت.

افرادی چون ابوامامه، فرزند او، ابووائل و عبدالرحمان بن ابی لیلی از او حدیث نقل کرده‌اند. ابن سعد نوشته است که پیامبر (ص) بین سهل بن حنیف و علی بن ابی طالب (ع) عقد اخوت بست.

بخاری در کتابهای جنائز، صلح، جزیه، مغازی، تفسیر، ادب، استتابة المرتدین و اعتصام از او حدیث نقل کرده، که از آن جمله می‌توان به این حدیث اشاره کرد:

«حدَّثنا موسى بن اسماعیل، حدَّثنا عبدالواحد، حدَّثنا الشیبانی، حدَّثنا سیر بن عمرو، قال: قلت لسهل بن حنیف: هل سمعت النبی (ص) يقول فی الخوارج شیئاً؟ قال: سمعته يقول

۱. صحیح بخاری، ۱/۱۴ (کتاب الایمان، باب ۲۴).

۲. طبقات ابن سعد، ۳/۴۷۱ - ۴۷۳ و ۱۵/۶؛ منذ احمد بن حنبل، ۳/۴۸۵ - ۴۸۷؛ تاریخ الکبیر بخاری، ۴/۹۷؛ معارف ابن قتیبه، ص ۲۹۱؛ الجرح و التعديل، ۴/۱۹۵؛ نقات ابن حبان، ۳/۱۶۹؛ الاستیعاب، ۲/۹۲؛ معجم الکبیر طبرانی، ۶/۸۶ - ۱۱۳؛ سیر اعلام النبلاء، ۲/۳۲۵ - ۳۲۹؛ اسد الغابة، ۲/۳۶۴ - ۳۶۵؛ تهذیب الکمال، ۲/۵۵۷؛ الکاشف، ۱/۳۲۵؛ الاصابة، ۲/۸۷؛ تهذیب التهذیب، ۴/۲۵۱؛ تقریب التهذیب، ۱/۳۳۶؛ کنز العمال، ۱۳/۳۴۰؛ رجال صحیح البخاری، ۱/۳۲۳ (رقم ۴۵۱)؛ رجال کفی، ص ۳۸؛ رجال طوسی، ص ۴۳؛ منتهی المقال، ۳/۴۲۴؛ قاموس الرجال تستری، ۵/۳۵۳ - ۳۵۷.

۳. صحیح بخاری، ۸/۵۳ (کتاب استتابة المرتدین، باب ۷).

۴. طبقات ابن سعد، ۶/۱۰۹ - ۱۱۳؛ تاریخ ابن معین، ۲/۳۵۶ - ۳۵۷؛ تاریخ خلیفة بن خیاط، ص ۲۸۳، ۲۸۷، ۳۶۷ به بعد؛ تاریخ الکبیر بخاری، ۵/۳۶۸ - ۳۶۹؛ تاریخ النقات عجلی، ص ۲۹۸؛ المعرفة و التاریخ، ۱/۲۲۴، ۲۵۹، ۲۹۳ - ۲۲/۲، ۲۳ - ۹۰ به بعد؛ الجرح و التعديل، ۵/۳۰۱؛ نقات ابن حبان، ۵/۱۰۰؛ تاریخ بغداد، ۱۰/۱۹۹ - ۲۰۰؛ سیر اعلام النبلاء، ۲/۲۶۲ - ۲۶۷؛ تهذیب الکمال، ۲/۸۱۳؛ تاریخ الاسلام ذهبی (حوادث و وقایع ۸۱ - ۱۰۰ ق)، ص ۱۲۷ - ۱۲۹؛ الکاشف، ۲/۱۶۲؛ تذکرة الحفاظ، ۱/۵۵۱؛ تهذیب التهذیب، ۶/۲۶۰ - ۲۶۲؛ تقریب التهذیب، ۱/۴۹۶؛ الاصابة، ۲/۴۲۰؛ رجال صحیح البخاری، ۱/۴۵۹ - ۴۶۰ (رقم ۶۸۸)؛ رجال طوسی، ص ۴۸؛ رجال کفی، ص ۱۰۱؛ منتهی المقال، ۴/۹۴ - ۹۵؛ قاموس الرجال تستری، ۶/۸۳ - ۸۵.

و عاقبت در واقعه جماعه کشته شد و به قولی در شط بصره غرق گردید.

بخاری در کتابهای تقصیر الصلاة، تهجد، جنائز، صوم، انبیاء، فضائل اصحاب النبی (ص)، مناقب الانصار، مغازی، تفسیر، اطعمه، اشربه، لباس و دعوات از او حدیث نقل کرده، که یکی از آنها این حدیث است:

«حدَّثنا حفص بن عمر، قال حدثنا شعبه، عن عمرو، عن ابن ابي لیلی، قال: ما انبأنا احد انه رأى النبی (ص) صَلَّى الضحی غیر ام هانی، ذكرت ان النبی (ص) يوم فتح مكة اغتسل فی بیتها فصلی ثمان رکعات، فما رأیته صَلَّى صلاة اخف منها غیر انه يتم الركوع و السجود»^۱

۲۲. ابوبکر حمیری صنعانی یمنی^۲ (متوفی ۲۱۱ ق / ۸۲۶م)

عبدالرزاق بن همام بن نافع، ابوبکر حمیری صنعانی یمنی، از اصحاب امام صادق (ع) و امام جواد (ع) که از آنان حدیث شنیده و روایت کرده است. همچنین از پدر خود و معمر، عبدالله بن سعید بن ابی هند، عبیدالله بن عمر، ابن جریر، اوزاعی، عکرمة بن عمار، سفیان ثوری، مالک و جمع دیگری، حدیث شنیده و روایت کرده است.

معتمر بن سلیمان و سفیان بن عیینه، ابواسامه، احمد بن حنبل، ابن معین، محمد بن رافع و گروه بسیاری از او روایت کرده‌اند.

از احمد بن حنبل پرسیدند که بهتر از عبدالرزاق دیده‌ای؟ گفت: خیر؛ و هشام بن یوسف گوید: عبدالرزاق داناتر و حافظ‌تر از ما بود؛ و ابن حبان او را در ثقات خود آورده است؛ و ذهبی گوید: عبدالرزاق راویة الاسلام و صدوق است و به احادیث او در صحاح احتجاج شده است. ابن حجر گوید: وی حافظ، ثقه، مصنف مشهور و در طبقه نهم قرار دارد که تمایلات شیعی داشت. وی در ۸۵ سالگی، در ۲۱۱ هجری، چشم از جهان فرو بست.

او دارای آثار و تألیفاتی است؛ از جمله کتاب مصنف او مشهور است، که به چاپ رسیده است.

بخاری در کتابهای وضو، غسل، صلاة و دیگر کتب صحیح خود، از او حدیث نقل کرده، که از آن جمله می‌توان به این

حدیث اشاره نمود:

«حدَّثنا اسحاق بن نصر، قال: حدثنا عبدالرزاق، قال: اخبرنا ابن جریر، عن عطاء، قال: سمعت ابن عباس، قال: لما دخل النبی (ص) الی بیت دعا فی نواحیه کلها و لم یصل حتی خرج منه، فلما خرج رکع رکعتین من قبل الکعبة و قال: هذه القبلة»^۳

۲۳. ابوجعفر هاشمی مدنی^۴ (متوفی ۹۰ ق / ۷۰۹م)

عبدالله بن جعفر بن ابی طالب بن عبدالمطلب، ابوجعفر هاشمی مدنی. از اصحاب رسول الله (ص) و علی بن ابی طالب (ع) که از آنان حدیث شنیده و روایت کرده است. همچنین او از اصحاب حسن بن علی (ع) و حسین بن علی (ع) و علی بن حسین (ع) بوده و از آنان حدیث شنیده و روایت نموده است. عروة بن زبیر، سعد بن ابراهیم و جمعی دیگر از او روایت کرده‌اند. وی داماد علی بن ابی طالب (ع) و همسر زینب کبری بود. مادر او اسماء بنت عمیس خثعمی بود و در سال اول هجرت، چشم به جهان گشود و کودکی بود که با پیامبر اسلام (ص) بیعت کرد. برخی سال مرگ او را هشتاد هجری هم نوشته‌اند، ولی صحیح همان سال نود هجری است.

بخاری در کتابهای عتق، جهاد، فرض الخمس، فضائل

۱. صحیح بخاری، ۳۸/۲ (کتاب تقصیر الصلاة، باب ۱۲).

۲. طبقات ابن سعد، ۵۴۸/۵؛ تاریخ ابن معین، ۳۶۲/۲ - ۳۶۴؛ تاریخ الکبیر بخاری، ۱۳۰/۶؛ تاریخ الثقات عجلی، ص ۳۰۲؛ معارف ابن قتیبه، ص ۵۰۶، ۶۲۴؛ الجرح و التعديل، ۳۸/۶ - ۳۹؛ ثقات ابن حبان، ۴۱۲/۸؛ میزان الاعتدال، ۶۰۹/۲ - ۶۱۴؛ سیر اعلام النبلاء، ۵۶۳/۹ - ۵۸۰؛ الکاشف، ۱۷۱/۲؛ تهذیب التهذیب، ۳۱۰/۶ - ۳۱۵؛ تقریب التهذیب، ۵۰۵/۱؛ لسان المیزان، ۲۸۷/۷؛ رجال صحیح البخاری، ۴۹۶/۱ - ۴۹۷؛ تاریخ اسماء الثقات ابن شاهین، ص ۱۸۰؛ رجال طوسی، ص ۲۶۷؛ الکامل ابن اثیر، ۴۰۶/۶؛ منتهی المقال، ۱۲۱/۴ - ۱۲۲؛ رجال نجاشی، ص ۳۷۹؛ قاموس الرجال تستری، ۱۵۴/۶ - ۱۵۷؛ اصول الکافی، ۱۳۰/۲، ۳۱۶، ۳۲۰.

۳. صحیح بخاری، ۱۰۴/۱ (کتاب الصلاة، باب ۳۰).

۴. طبقات خلیفة بن خیاط، ص ۱۲۶، ۱۸۹؛ مسند احمد بن حنبل، ۲۰۳/۱؛ تاریخ الکبیر بخاری، ۷/۵؛ تاریخ الثقات عجلی، ص ۲۵۱ - ۲۵۲؛ ثقات ابن حبان، ۲۰۷/۳؛ معارف ابن قتیبه، ص ۲۰۵ - ۲۰۸، ۲۱۱، ۳۷۹، ۴۶۱؛ الجرح و التعديل، ۳۱/۵؛ الاستیعاب، ۲۷۵/۲ - ۲۷۷؛ اسد الغابة، ۱۳۹/۳؛ تهذیب الکمال، ۳۶۷/۱۴ - ۳۷۲؛ سیر اعلام النبلاء، ۴۵۶/۳ - ۴۶۲؛ الکاشف، ۶۹/۲؛ تهذیب التهذیب، ۱۷۰/۵ - ۱۷۱؛ تقریب التهذیب، ۴۰۶/۱؛ الاصابة، ۲۸۹/۲ - ۲۹۰؛ رجال صحیح البخاری، ۳۸۶/۱ - ۳۸۷؛ تاریخ الاسلام ذهبی (حوادث و وفیات ۶۱ - ۸۰ ق)، ص ۴۲۸ - ۴۳۲؛ رجال طوسی، ص ۲۳، ۴۶، ۶۹، ۹۷؛ منتهی المقال، ۱۶۷/۴؛ قاموس الرجال تستری، ۲۸۳/۶ - ۲۸۹.

رسول الله (ص) فاذا فيه من حاطب بن ابي بلتعة الى اناس من المشركين من اهل مكة...»^۲

۲۵. عدی بن ثابت انصاری کوفی^۴ (متوفی ۱۱۶ ق / ۷۳۴م)

عدی بن ابان بن ثابت بن قیس بن خطیم انصاری ظفری کوفی. از پدر و جد مادری خود عبدالله بن یزید خطمی، سلیمان بن صرد خزاعی و براء بن عازب حدیث شنیده و روایت کرده است و یحیی بن سعید انصاری، اعمش، مسعر، شعبه و دیگران از او حدیث شنیده و روایت کرده‌اند.

دارقطنی او را رافضی غال و ثقه دانسته و ابن حجر در هدی الساری گوید: تابعی مشهور و ثقه است، و احمد، نسائی و عجللی نیز او را ثقه دانسته‌اند، ولی گفته‌اند که در شیعه گری غلو می‌کرد. ابوحاتم او را صدوق دانسته و نوشته است که وی امام مسجد شیعه بود و ابن حجر در تقریب ضمن این که او را رمی به تشیع کرده، وی را از طبقه چهارم دانسته است. ذهبی نیز او را عالم شیعه دانسته است.

بخاری در کتابهای ایمان، صلاة، ادب، بدء الخلق، ذبائح و دیگر موارد از او حدیث نقل کرده است، که از آن جمله می‌توان به این حدیث اشاره کرد:

۱. صحیح بخاری، ۲۱۰/۶ (کتاب اطعمه، باب ۳۹)، ص ۲۱۲ (باب ۴۵، و ۴۷).

۲. تاریخ ابن معین، ۳۸۲/۲؛ تاریخ الکبیر بخاری، ۳۸۱/۵؛ معارف ابن قتیبه، ص ۱۴۵؛ طبقات خلیفه بن خلیط، ص ۲۳۱، ۲۳۹؛ تاریخ خلیفه بن خلیط، ص ۲۰۰؛ الجرح و التعديل، ۳۰۷/۵؛ الفهرست طوسی، ص ۱۰۷؛ رجال طوسی، ص ۴۷؛ طبقات ابن سعد، ۲۸۲/۵؛ المعرفة و التاريخ، ۳۶۰/۱، ۴۱۹، ۶۴۱؛ ۸۱۱/۲؛ سنن ترمذی، ۳۹۲/۳؛ ثقات ابن حبان، ۶۸/۵؛ تاریخ بغداد، ۳۰۴/۱۰؛ تهذیب الکمال، ۳۴/۱۹، ۳۶؛ الکاشف، ۱۹۷/۲؛ تهذیب التهذیب، ۱۰۷؛ تقریب التهذیب، ۵۳۲/۱؛ تاریخ الاسلام ذهبی (حوادث و وفیات ۸۱-۱۰۰ ق)، ص ۴۲۱؛ رجال صحیح البخاری، ۴۶۲/۱ (رقم ۶۹۳)؛ منتهی المقال، ۲۸۱/۴-۲۸۳؛ رجال برقی، ص ۴.

۳. صحیح بخاری، ۱۹/۴ (کتاب الجهاد و السیر، باب ۱۴۱)؛ ۶۱/۶ (کتاب تفسیر القرآن، سورة الممتحنة، باب ۱).

۴. طبقات خلیفه بن خلیط، ص ۱۶۱؛ تاریخ خلیفه بن خلیط، ص ۵۶۱؛ تاریخ ابن معین، ۳۹۷/۲؛ تاریخ الکبیر بخاری، ۴۴/۷؛ تاریخ الثقات عجللی، ص ۳۳۰؛ الجرح و التعديل، ۲/۷؛ ثقات ابن حبان، ۲۷۰/۵؛ سیر اعلام النبلاء، ۱۸۸/۵-۱۸۹؛ تهذیب الکمال، ۵۲۲/۱۹-۵۲۴؛ میزان الاعتدال، ۶۱۳-۶۲؛ الکاشف، ۲۲۶/۲؛ تهذیب التهذیب، ۱۶۸/۷-۱۶۹؛ تقریب التهذیب، ۱۰۶/۲؛ رجال صحیح البخاری، ۵۸۹/۲-۵۹۰ (رقم ۹۳۲)؛ قاموس الرجال ستبری، ۱۸۰/۷؛ هدی الناری، ص ۴۲۴.

اصحاب النبى (ص)، مغازی، نکاح، اطعمه و فتن حدیث نقل کرده، که این حدیث از آن جمله است:

«حدَّثنا عبدالعزيز بن عبدالله، قال: حدثني ابراهيم بن سعد، عن ابيه، عن عبدالله بن جعفر بن ابي طالب (رض)، قال: رأيت رسول الله (ص) يأكل الرطب بالقثاء»^۱

۲۴. ابن ابی رافع مدنی^۲ (متوفی پس از ۱۰۰ ق / ۷۱۹م)

عبدالله بن ابی رافع مدنی از تابعین و از اصحاب علی بن ابی طالب (ع) که از آن حضرت روایت کرده و کاتب آن حضرت بوده است. همچنین از پدر خود و ابی هریره و شقران مولی النبى (ص) و مادر خود ام‌رافع حدیث شنیده و روایت کرده است. ابراهیم، پسر وی، بسر بن سعید، جعفر بن محمد بن علی بن الحسین (ع)، حسن بن محمد بن حنفیه، حکم بن عتیبه، زید بن علی بن الحسین (ع)، محمد بن مسلم بن شهاب زهری، محمد بن منکدر، معاویه بن عبدالله بن جعفر بن ابی طالب و جمعی دیگر از او حدیث شنیده و روایت کرده‌اند. ابن سعد او را در طبقه دوم از اهل مدینه آورده و نوشته است که از علی بن ابی طالب (ع) روایت نموده و برای او کتابت می‌کرده است. ابوحاتم و خطیب بغدادی او را ثقه دانسته‌اند و ابن حبان او را در ثقات آورده است.

وی کتاب قضایا امیر المؤمنین (ع) و کتاب تسمیه من شهد مع امیر المؤمنین (ع) الجمل و صفین و التهوران من الصحابة را نوشته است و در مشاهد علی (ع) شرکت داشته و از خواص اصحاب آن حضرت بوده است.

بخاری در کتابهای جهاد، تفسیر و دیگر مواضع، از او حدیث نقل کرده، که می‌توان به این حدیث اشاره کرد:

«حدَّثنا علی بن عبدالله، حدَّثنا سفیان، حدَّثنا عمرو بن دینار، سمعته مرتین، قال: اخبرني حسن بن محمد، اخبرني عبيدالله بن ابي رافع، قال: سمعت علياً (رضى الله عنه)، يقول: بعثني رسول الله (ص) انا و الزبير و المقداد، قال: انطلقوا حتى تاتوا روضة خاخ فان بها ظعينة و معها كتاب فخذوه منها، فانطلقنا تعادى بنا خيلنا حتى انتهينا الى الروضة، فاذا نحن بالظعينة، فقلنا: اخرجني الكتاب، فقالت: ما معي من كتاب، فقلنا: لنخرجن الكتاب او لنلقين الثياب، فاخرجته من عقاصها، فاتينا به

«حَدَّثَنَا حجاج بن منهال، قال: حدثنا شعبه، قال: أخبرني عدی بن ثابت، قال: سمعت عبدالله بن یزید، عن ابن مسعود، عن النبی (ص)، قال: إذا انفق الرجل علی اهله یحتسبها فهو له صدقة.»^۱

۲۶. ابوطریف طائی کوفی^۲ (متوفی ۶۷ یا ۶۸ ق / ۶۸۶ یا ۶۸۷ م)

عدی بن حاتم بن عبدالله بن سعد بن حشر بن امرئ القیس بن عدی، ابوطریف طائی. از اصحاب رسول الله (ص) و علی بن ابی طالب (ع) که از آنان حدیث شنیده و روایت کرده است. شعبی، مُجَلِّ بن خلیفه طائی، سعید بن جبیر، همام بن حارث، ابواسحاق سبیعی و دیگران از او حدیث شنیده و روایت کرده‌اند. او در سال هفتم هجری بر پیامبر اکرم (ص) وارد شد و پیامبر (ص) او را گرمی داشت. او سید قوم خود بود. پس از پیامبر اسلام، جزو یاران خاص حضرت علی (ع) درآمد و در کوفه ساکن شد و در جنگ جمل و صفین، همراه علی (ع) بود و حضرت علی او را دوست می‌داشت و پس از او از اصحاب حسن بن علی (ع) شد و مواضع آن حضرت را در جنگ و صلح پذیرفت.

ابن حجر درباره وی گفته است: او صحابی مشهور و از کسانی است که در جریان رده در اسلام ثابت قدم ماند و در فتوح عراق و جنگهای جمل، صفین و نهروان به علی (ع) کمک کرد.

بخاری در کتابهای وضو، زکاة، صوم، بیوع، مناقب، مغازی، تفسیر، ذبائح، ادب، رفاق و توحید از او حدیث نقل کرده، که از آن جمله این حدیث است:

«حَدَّثَنَا حفص بن عمر، قال: حدثنا شعبه، عن ابن ابی السَّفَرِّ، عن الشعبي، عن عدی بن حاتم، قال: سألت النبی (ص)، فقال: إذا أرسلت كلبك المُعَلَّم فقتل فكل و إذا أكل فلا تأكل، فأنما أمسك علی نفسه، قلت أرسل كلبی فاجد معه كلباً آخر، قال: فلا تأكل، فأنما سمیت علی كلبك و لم تُسم علی كلب آخر.»^۳

۲۷. ابویقظان کنانی مذحجی عنسی قحطانی^۴ (شهید ۳۷ ق / ۶۵۷ م)

عمار بن یاسر بن عامر کنانی مذحجی عنسی قحطانی، صحابی جلیل‌القدر و از سابقین در اسلام، ابویقظان قرشی مخزومی که

در جنگ بدر و سایر غزوات پیامبر (ص) حضور داشت و از پیامبر (ص) حدیث شنیده و روایت کرده است. وی از بزرگترین و وفادارترین اصحاب علی (ع) بود که در جنگ جمل و صفین حضور داشت و علی (ع) را یاری کرد و به فرموده پیامبر (ص) به دست فئه باغیه (سپاه معاویه) شربت شهادت نوشید.

عبدالرحمان بن أبزی، ابوائل و همام از او روایت کرده‌اند. وی در جنگ صفین در سال ۳۷ هجری، در ۹۳ سالگی، چشم از جهان فرو بست. شرح حال و فضائل و مناقب او به اندازه‌ای مشهور است که نیازی به شرح و بیان ندارد.

بخاری در کتابهای ایمان، تیمم، صلاة، اذان، تهجد، صوم، بیوع، جهاد، بدء الخلق، فضائل اصحاب النبی (ص)، مناقب الانصار، تفسیر، استئذان و فتن، از او نام برده و حدیث نقل کرده، که یکی از آنها این حدیث است:

«... قال عمار: ثلاث من جمعهن فقد جمع الايمان: الانصاف من نفسك و بذل السلام للعالم و الانفاق من الاقتار.»^۵

۱. صحیح بخاری، ۲۰/۱ (کتاب الایمان، باب ۴۱).

۲. طبقات ابن سعد، ۲۲/۶؛ معارف ابن قتیبه، ص ۳۱۳؛ مسند احمد بن حنبل، ۲۵۵/۴ و ۳۷۷؛ تاریخ الکبیر بخاری، ۴۳/۷؛ الجرح و التعديل، ۲/۷؛ الاستیعاب، ۱۴۱/۳ - ۱۴۳؛ تاریخ بغداد، ۱۸۹/۱ - ۱۹۱؛ اسد الغابة، ۳۹۲/۳؛ سیر اعلام النبلاء، ۱۶۲/۳ - ۱۶۵؛ تهذیب الکمال، ۵۲۴/۱۹ - ۵۳۱؛ الکاشف، ۲۲۶/۲ - ۲۲۷؛ تاریخ الاسلام ذهبی (حوادث و وفیات ۶۱ - ۸۰ ق)، ص ۱۸۲ - ۱۸۵؛ معجم الکبیر طبرانی، ۶۸/۱۷ - ۱۰۶؛ تهذیب التهذیب، ۱۶۶/۷ - ۱۶۷؛ تقرب التهذیب، ۱۶/۲؛ الاصابة، ۴۶۸/۲ - ۴۶۹؛ رجال صحیح البخاری، ۵۸۹/۲ (رقم ۹۳۱)؛ رجال کثی، ص ۳۸؛ قاموس الرجال تستری، ۱۸۱/۷ - ۱۸۶؛ منتهی المقال، ۳۰۳/۴ - ۳۰۴؛ رجال طوسی، ص ۴۹؛ معجم رجال الحدیث، ۱۳۴/۱۱.

۳. صحیح بخاری، ۵۱/۱ (کتاب الوضوء، باب ۳۳).

۴. طبقات ابن سعد، ۲۴۶/۳ - ۲۴۴؛ ۱۴/۶؛ مسند احمد بن حنبل، ۲۶۲/۴ - ۲۶۵؛ ۳۱۹ - ۳۲۱؛ تاریخ الکبیر بخاری، ۲۵/۷ - ۲۶؛ معارف ابن قتیبه، ص ۱۰۵، ۱۵۷، ۲۵۸، ۲۵۹، ۵۵۰، ۵۸۴؛ الاستیعاب، ۴۷۶/۲ - ۴۸۱؛ الجرح و التعديل، ۳۸۹/۶؛ تاریخ بغداد، ۱۵۰/۱ - ۱۵۳؛ سیر اعلام النبلاء، ۴۰۶/۱ - ۴۲۸؛ اسد الغابة، ۴۳/۴ - ۴۷؛ تهذیب الکمال، ۲۱۵/۲۱ - ۲۲۷؛ الکاشف، ۲۶۱/۲؛ تهذیب التهذیب، ۴۰۸/۷ - ۴۱۰؛ تقرب التهذیب، ۴۸/۲؛ الاصابة، ۵۱۲/۲ - ۵۱۳؛ کنز العمال، ۵۲۶/۱۳؛ رجال صحیح البخاری، ۵۹۱/۲ - ۵۹۲ (رقم ۹۳۷)؛ رجال طوسی، ص ۲۴، ۴۶؛ رجال برقی، ص ۱ - ۴؛ رجال کثی، ص ۶، ۲۹، ۳۴، ۶۳؛ منتهی المقال، ۹۴/۵ - ۹۵؛ معجم رجال الحدیث، ۲۶۵/۱۲ - ۲۷۱.

۵. صحیح بخاری، ۱۲/۱۰ (کتاب الایمان، باب ۲۰).

وی مورد عنایت، لطف و محبت فراوان پدر خود بود و در جنگ جمل، صفین و نهروان همراه وی شرکت کرد و پس از آن نیز از برادران خود امام حسن و امام حسین (ع) اطاعت نمود و پس از واقعه عاشورا نیز به امامت علی بن الحسین (ع) گردن نهاد. در منابع اهل سنت او را تابعی، ثقه، صالح و از افاضل اهل بیت دانسته‌اند و احمد بن حنبل و ابن معین او را موثق خوانده‌اند، ولی نوشته‌اند وی شیعه و قلیل الحدیث است.

او کسی بود که وقتی نامه هشام بن عبدالملک به مدینه رسید و در آن نامه هشام دستور داده بود که علی بن ابی طالب (ع) را دشنام دهند، در جواب این شعر را گفت:

لعن الله من يسب علياً
و حسيناً من سوقة و امام

در منابع شیعی نیز از او به نیکی یاد شده است.

بخاری در کتابهای فرض الخمس، فضائل القرآن و حیل از او حدیث نقل کرده، که یکی از آنها این حدیث است:

«قال الحمیدی، حدثنا سفیان، حدثنا محمد بن سوقة، قال: سمعت منذراً الثوری، عن ابن الحنفیة، قال: ارسلنی ابی، أخذ هذا الكتاب، فذهب به الی عثمان، فان فی امر النبی (ص) فی الصدقة.»^۴

۱. طبقات ابن سعد، ۱۸۷/۵ - ۱۹۴؛ تاریخ ابن معین، ۴۸۲/۲؛ تاریخ الکبیر بخاری، ۱۵۷/۵؛ تاریخ الشقات عجلی، ص ۳۸۷؛ معارف ابن قتیبہ، ص ۱۷۵، ۱۷۸، ۵۸۸؛ الجرح والتعديل، ۱۱۸۷؛ وفيات الاعیان، ۵۹/۴ - ۶۰؛ سير اعلام النبلاء، ۵۳/۵ - ۶۰؛ تهذيب الكمال، ۴۲۷/۲۳؛ الکشاف، ۳۳۸/۲؛ تهذيب التهذيب، ۳۳۳/۸ - ۳۳۵؛ تقرب التهذيب، ۱۲۰/۲؛ تاریخ الاسلام ذهبی (حوادث و وفيات ۱۰۱ - ۱۲۰ ق)، ص ۲۱۷ - ۲۲۳؛ رجال صحيح البخاری، ۶۱۶/۲ (رقم ۹۷۸)؛ رجال طوسی، ص ۱۰۰، ۱۳۳؛ رجال ابن داود، ص ۱۵۳؛ اصول الکافی، ۳۹۳/۱؛ منتهی المقال، ۲۳۰/۵؛ معجم رجال الحدیث، ۴۵/۴ - ۴۶.

۲. صحيح بخاری، ۶۵/۷ (کتاب اللباس، باب ۹۱).

۳. طبقات ابن سعد، ۹۱/۵ - ۱۱۶؛ تاریخ ابن معین، ۵۳۱/۲ - ۵۳۳؛ معارف ابن قتیبہ، ص ۲۱۶؛ تاریخ الکبیر بخاری، ۱۸۲/۱؛ تاریخ الشقات عجلی، ص ۴۱۰؛ الجرح والتعديل، ۲۶/۸؛ سير اعلام النبلاء، ۱۱۰/۴ - ۱۲۹؛ الکشاف، ۷۱۳؛ تاریخ الاسلام ذهبی (حوادث و وفيات ۸۱ - ۱۰۰ ق)، ص ۱۸۱ - ۱۹۳؛ المسرقة والتاريخ، ۵۴۴/۱؛ تهذيب التهذيب، ۳۵۴/۹ - ۳۵۵؛ تقرب التهذيب، ۱۹۲/۲؛ رجال صحيح البخاری، ۶۶۸ - ۶۶۷/۲ (رقم ۱۰۷۸)؛ الوافي بالوفيات، ۹۹/۴ - ۱۰۵؛ معجم رجال الحدیث، ۴۸/۱۶ - ۵۱؛ اصول الکافی، ۸۱/۱ (کتاب الحجة، حدیث ۵).

۴. صحيح بخاری، ۴۸/۴ (کتاب فرض الخمس، باب ۵).

۲۸. ابو محمد یا ابو عبدالرحمان قرشی تیمی مدنی^۱ (متوفی ۱۰۱ یا ۱۰۲ ق/ ۷۱۹ یا ۷۲۰ م)

قاسم بن محمد بن ابی بکر بن ابی قحافة، ابو محمد و یا ابو عبدالرحمان قرشی تیمی مدنی، از تابعین و از اصحاب علی بن الحسین السجاد (ع)، محمد بن علی الباقر (ع) و جعفر بن محمد الصادق (ع) و از فقهای بزرگ شیعه در مدینه بوده است و از این سه امام شیعی حدیث شنیده و روایت کرده و همچنین از عمه خود، عایشه، ابن عمر، عبدالرحمان و محمد، فرزندان یزید بن جاریه و عبدالله بن حباب نیز حدیث شنیده و روایت کرده است. زهری، نافع، ابن ابی ملیکه، یحیی بن سعید، ربیعہ، عبدالله بن عون، ایمن بن نابل، حنظلة و جمعی دیگر از او حدیث نقل کرده‌اند.

ابن معین، ابن سعد، عجلی و دیگران او را توثیق کرده‌اند، و ابن حجر نیز نوشته است که وی یکی از فقهای مدینه بوده و ایوب گفته است: فاضلتر از او ندیدم.

وی پسر خاله علی بن الحسین السجاد (ع) و جد مادری جعفر بن محمد الصادق (ع) بوده است.

بخاری در کتابهای اذان، حج، عمره، صوم، الحرث و المزارعة، هبه، شهادات، فضائل اصحاب النبی (ص)، مغازی، نکاح، طلاق، اطعمه، ذبائح، مرض، لباس، حدود، حیل و احکام از وی حدیث نقل کرده که از آن میان می‌توان به این حدیث اشاره کرد:

«حدثنا علی بن عبدالله، قال: حدثنا سفیان، قال: سمعت عبدالرحمان بن القاسم - و ما بالمدينة يومئذ افضل منه - قال: سمعت ابی، قال: سمعت عائشة (رض) قدم رسول الله من سفر و قد سترت بقرام لی علی سهوة لی، فیها تماثيل، فلما رآه رسول الله، هتکه و قال: اشد الناس عذاباً يوم القيامة، الذين يضاهون بخلق الله، قالت: فجعلناه و سادة او وسادتين.»^۲

۲۹. ابن حنفیه هاشمی^۳ (متوفی ۸۱ ق / ۷۰۰ م)

محمد بن علی بن ابی طالب (ع)، ابو القاسم از تابعین که از پدر خود علی بن ابی طالب (ع) و عثمان بن عفان حدیث شنیده و روایت کرده است. عمرو بن دینار و فرزندان خود او، عبدالله و حسن و منذر الثوری، از او حدیث نقل کرده‌اند.

۳۰. ابو عبدالله قرشی هاشمی مدنی^۱ (متوفی بین ۹۰ - ۱۰۰ ق / ۷۰۹ - ۷۱۹ م)

محمد بن عمرو بن حسن بن علی بن ابی طالب (ع) هاشمی مدنی، از تابعین که از جابر بن عبدالله انصاری، ابن عباس و عمه پدرش زینب دختر علی بن ابی طالب (ع) حدیث شنیده و روایت کرده است. همچنین سعد بن ابراهیم و محمد بن عبدالرحمان انصاری از او روایت کرده‌اند.

نسائی، ابوزرعه، ابن خراش و ابوحاتم او را توثیق کرده‌اند. بخاری در کتاب مواقیب الصلاة از او این حدیث را نقل کرده است:

«حدَّثنا مسلم بن ابراهیم، قال: حدثنا شعبه، عن سعد بن ابراهیم، عن محمد بن عمرو - هو ابن الحسن بن علی - قال: سألت جابر بن عبدالله، عن صلاة النبي (ص) فقال: كان النبي (ص) يصلّي الظهر بالهاجرة والعصر والشمس حية والمغرب اذا وجبت والعشاء اذا كثرت الناس عجل و اذا قلوا خرّوا الصبح بغلس»^۲

۳۱. مقداد بن اسود بهرانی کندی مدنی^۳ (متوفی ۳۳ ق / ۶۵۳ م)

مقداد بن عمرو بن ثعلبة بن مالک بن ربیعة بن ثمامة بن مطرود بن عمرو بن سعد بن دهر بن لؤی بن ثعلبة، ابومعبد و یا ابوالاسود بهرانی کندی مدنی. از اصحاب رسول الله (ص) که در جنگ بدر و دیگر غزوات آن حضرت شرکت کرده و از آن حضرت حدیث شنیده و روایت نموده است. وی از اصحاب علی بن ابی طالب (ع) و از خواص آن حضرت بوده است. او از آن حضرت نیز حدیث شنیده و روایت کرده است. همچنین علی (ع)، عبدالله بن مسعود، ابن عباس، جُبیر بن مُفیر، عبدالرحمان بن ابی لیلی، همّام بن حارث، عییدالله بن عدی بن خیار و دیگران از او حدیث شنیده‌اند.

از بریده نقل شده که پیامبر (ص) فرمود: خداوند دوستی چهار نفر را به من امر کرده است: علی بن ابی طالب (ع)، ابوذر، سلمان فارسی و مقداد، که این حدیث را احمد بن حنبل در مسند خود آورده است.

مقداد در هفتاد سالگی، در سال ۳۳ هجری، در جُرف در سه میلی مدینه چشم از جهان فرو بست و در بقیع به خاک سپرده

شد.

بخاری در کتابهای علم، وضو، جهاد، مغازی، تفسیر، نکاح و دیات از او حدیث نقل کرده، که این حدیث از آن جمله است:

«عن المقداد بن الاسود، أنه قال: يا رسول الله! أرايت ان لقيت رجلاً من الكفار فقاتلني، فضرب احدى يدي بالسيف فقطعها، ثم لاذ مني بشجرة، فقال: اسلمت لله، أفأقتله يا رسول الله بعد أن قالها؟ قال رسول الله (ص): لا تقتله. قال فقلت: يا رسول الله! أنه قد قطع يدي، ثم قال ذلك بعد ان قطعها، أفأقتله؟ قال رسول الله (ص): لا تقتله، فان قتلته فانه بمنزلك قبل ان تقتله وانك بمنزلة، قبل ان يقول كلمته التي قال»^۴

۳۲. منهال بن عمرو اسدی کوفی^۵ (متوفی پس از ۱۱۰ ق / ۷۲۸ م)

منهال بن عمرو اسدی کوفی، مولی بنی عمرو بن اسد بن خزیمه.

۱. طبقات ابن سعد، ۱۹۵/۹؛ تاریخ الکبیر بخاری، ۱۸۹/۱ - ۱۹۰؛ الجرح والتعديل، ۲۹/۸؛ نقات ابن حبان، ۳۵۵/۵؛ الکاشف، ۷۴/۳؛ تهذیب التهذیب، ۳۷۱/۹؛ تقرب التهذیب، ۱۹۵/۲؛ تاریخ الاسلام ذهبی (حوادث و وفیات ۸۱ - ۱۰۰ ق)، ص ۴۷۰؛ رجال صحیح البخاری، ۶۷۰/۲ (رقم ۱۰۸۰)؛ تهذیب الکمال، ۲۰۳/۲۶ - ۲۰۴؛ موضع اوهام الجمع و التفریق، ۴۲/۱.
۲. صحیح بخاری، ۱۴۰/۱ - ۱۴۱ (کتاب مواقیب الصلاة، باب ۱۸، ۲۱).
۳. طبقات ابن سعد، ۱۶۱/۳ - ۱۶۳؛ تاریخ خلیفة بن خیاط، ص ۱۶۸؛ معارف ابن قتیبه، ص ۱۲۰؛ مسند احمد بن حنبل، ۷۹/۴؛ ۸۶۲/۶؛ المعرفة و التاريخ، ۱۶۱/۲، ۴۰۱، ۱۶۷/۳، ۳۶۸؛ الاستیعاب، ۴۷۲/۳ - ۴۷۶؛ تاریخ الکبیر بخاری، ۵۴/۸؛ تاریخ الثقات عجمی، ص ۴۳۸؛ الجرح و التعديل، ۴۲۶/۸؛ سیر اعلام النبلاء، ۳۸۵/۱ - ۳۸۹؛ تاریخ الاسلام ذهبی (عهد خلفاء الراشدین)، ص ۴۱۷ - ۴۱۹؛ اسد الغابة، ۴۰۹/۴ - ۴۱۰؛ تهذیب الکمال، ۴۵۲/۲۸؛ الکاشف، ۱۵۳/۳؛ تهذیب التهذیب، ۲۸۵/۱۰؛ تقرب التهذیب، ۲۷۲/۲؛ الاصابة، ۴۵۴/۳ - ۴۵۵؛ رجال صحیح البخاری، ۷۲۵/۲ - ۷۲۶ (رقم ۱۲۰۷)؛ رجال طوسی، ص ۲۷، ۵۷؛ رجال کشی، ص ۱۱؛ رجال ابن داود، ص ۱۹۲؛ منتهی المقال، ۳۲۵/۶ - ۳۲۷؛ معجم رجال الحدیث، ۳۱۴/۱۸ - ۳۲۱.
۴. صحیح بخاری، ۱۹۵/۵ (کتاب المغازی، باب ۱۲).
۵. طبقات خلیفة بن خیاط، ص ۱۶۰؛ تاریخ ابن معین، ۵۹۰/۲؛ الملل و معرفة الرجال احمد بن حنبل، ۱۴۰/۱، ۱۶۱، ۲۳۳، ۴۰۸؛ تاریخ الکبیر بخاری، ۱۲/۸؛ الجرح و التعديل، ۳۵۶/۸ - ۳۵۷؛ سیر اعلام النبلاء، ۱۸۴/۵؛ تاریخ الاسلام ذهبی (حوادث و وفیات ۱۰۱ - ۱۲۰ ق)، ص ۴۸۳؛ میزان الاعتدال، ۱۹۲/۴؛ تهذیب الکمال، ۵۶۸/۲۸ - ۵۷۲؛ تهذیب التهذیب، ۳۱۹/۱۰ - ۳۲۰؛ تقرب التهذیب، ۲۷۸/۲؛ رجال صحیح البخاری، ۷۳۸/۲؛ رجال طوسی، ص ۷۹، ۱۰۱، ۱۳۸، ۳۱۹؛ قاموس الرجال تستری، ۱۳۳/۹؛ معجم رجال الحدیث، ۸/۱۹.

ادب، فتن و اعتصام از او حدیث نقل کرده، که این حدیث از آن جمله است:

«حدَّثنا مُحَمَّد بن سلام، قال: اخبرنا عبد الوهاب الثقفي، قال: حدثنا خالد الحذاء، عن ابي المنهال، عن ابي برزة، ان رسول الله (ص) كان يكره النوم، قبل العشاء و الحدیث بعدها.»^۳

۳۴. ابوجحيفة سوائي كوفي^۴ (متوفى ۷۱ یا ۷۴ ق / ۶۹۰ یا ۶۹۳ م)

وهب بن عبدالله، ابوجحيفة سوائي از بنی سوئه بن عامر بن صعصعة كوفي. از اصحاب رسول الله (ص) که از آن حضرت حدیث شنیده و روایت کرده است. او همچنین از اصحاب علی (ع) شمرده می شود و از آن حضرت نیز حدیث شنیده و روایت نموده و از خواص یاران امیرمؤمنان بوده و حضرت علی (ع) او را مسئول بیت المال، کوفه گذاشت. وی در همه جنگهای جمل، صفین و نهروان، با علی (ع) بود و آن حضرت وی را بسیار دوست می داشت و او را وهب الخیر و وهب الله می نامید. او همچنین از طرف حضرت علی (ع) رئیس شرطه

از اصحاب حسین بن علی (ع)، علی بن الحسین (ع)، محمد بن علی الباقر (ع) و جعفر بن محمد بن علی الصادق (ع) که از آنان حدیث شنیده و روایت کرده است. از انس بن مالک، یعلی بن مرة، محمد بن حنفیه، ابن مسعود، سعید بن جبیر، مجاهد، عبدالرحمان بن ابی لیلی و دیگران حدیث شنیده و روایت کرده است. محمد بن عبدالرحمان بن ابی لیلی، اعمش، ربیعة بنت عتبة الکنانی، شعبه و گروه زیادی از او روایت کرده اند.

ابن معین و نسائی او را توثیق کرده اند. عجلی او را کوفی و ثقه و دارقطنی وی را صدوق دانسته اند.

جوزجانی او را سیئی المذهب به شمار آورده، ولی ابن حبان او را جزو ثقات دانسته است.

بخاری در تفسیر سورة فصلت (حم - سجده)، از او این حدیث را نقل کرده است:

«... و قال المنهال عن سعید، قال: قال رجل لابن عباس: انی اجد فی القرآن اشیاء تختلف علی، قال: فلا انساب بینهم یومئذ و لا یتسائلون و اقبل بعضهم علی بعض یتسائلون و لا یکتُمون الله حدیثاً، ربنا ما کنّا مشرکین...»^۱

۳۳. ابوبرزة اسلمی بصری^۲ (متوفی ۶۴ ق / ۶۸۴ م)

نضلة بن عبید یا نضلة بن عمرو یا نضلة بن عائذ، ابوبرزة اسلمی بصری خزاعی. از صحابی رسول الله (ص) که از آن حضرت حدیث شنیده و روایت کرده است. او از اصحاب خاص و از اصفیای امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع) بوده و از آن حضرت نیز حدیث روایت کرده است.

فرزند وی مغیره، و حفیده او منیه، دختر عبید، ابوعثمان نهدی، ازرق بن قیس، ابومنهال سیار بن سلامه، کنانه بن نعیم عدوی و دیگران از او حدیث شنیده و روایت نموده اند.

او در صفین همراه علی (ع) و در رکاب وی بوده است و طبری از ابی مخنف روایت کرده که پس از شهادت حسین بن علی (ع)، هنگامی که سر مبارک آن حضرت را به شام، نزد یزید بن معاویه بن ابی سفیان، بردند و او بر لبهای مبارک آن حضرت، چوب خیزران می زد، ابوبرزة، در مجلس یزید حاضر بود و به یزید اعتراض کرد و کار او را نکوهش نمود.

بخاری در کتابهای مواقیح الصلاة، اذان، العمل فی الصلاة،

۱. صحیح بخاری، ۳۵/۶ (کتاب تفسیر القرآن، تفسیر سورة فصلت (حم سجده) فی الشرح.

۲. طبقات ابن سعد، ۲۹۸/۴، ۹/۷، ۳۶۶؛ تاریخ ابن معین، ۶۰۶/۲؛ مسند احمد بن حنبل، ۴۱۹/۴؛ تاریخ الکبیر بخاری، ۱۸۱/۸؛ طبقات خلیفة بن خیاط، ص ۱۰۹، ۱۸۷؛ معارف ابن قتیبه، ص ۳۳۶؛ الجرح و التعذیل، ۳۵۵/۳؛ الاستیعاب، ۲۴/۴؛ تاریخ بغداد، ۱۸۲/۱؛ سیر اعلام النبلاء، ۴۰۳-۴۳؛ اسد الغابة، ۹۳/۲؛ ۲۶۸/۳، ۱۹/۵، ۱۴۶-۱۴۷؛ تهذیب الکمال، ۴۰۷/۲۹-۴۱۰؛ الکاشف، ۱۸۱/۳؛ تاریخ الاسلام ذهبی (عهد معاویة بن ابی سفیان)، ص ۳۳۱؛ تهذیب التهذیب، ۴۴۶/۱۰-۴۴۷؛ تقریب التهذیب، ۳۰۳/۲؛ الاصابة، ۵۵۶/۳-۵۵۷؛ رجال صحیح البخاری، ۷۵۴/۲؛ رجال طوسی، ص ۶۰؛ رجال برقی، ص ۳؛ منتهی المقال، ۳۸۳/۶؛ معجم رجال الحدیث، ۱۶۱/۱۸؛ قاموس الرجال تستری، ۲۰۴/۹-۲۰۶.

۳. صحیح بخاری، ۱۴۲/۱ (کتاب مواقیح الصلاة، باب ۲۳).

۴. طبقات ابن سعد، ۶۳/۶-۶۴؛ طبقات خلیفة بن خیاط، ص ۵۷، ۱۳۲؛ تاریخ خلیفة بن خیاط، ص ۲۷۳؛ تاریخ ابن معین، ۲۳۶/۲؛ تاریخ الکبیر بخاری، ۱۶۲/۸؛ تاریخ الصغیر بخاری، ص ۸۱؛ الجرح و التعذیل، ۲۲/۹؛ الاستیعاب، ۳۶/۴-۳۷؛ سیر اعلام النبلاء، ۲۰۲/۳-۲۰۳؛ اسد الغابة، ۱۵۷/۵؛ تهذیب الکمال، ۱۳۲/۳۱-۱۳۳؛ الکاشف، ۲۱۵/۳؛ تاریخ الاسلام ذهبی (حوادث و وفیات ۶۱-۸۰ ق)، ص ۵۴۹؛ تهذیب التهذیب، ۱۶۴/۱۱؛ تقریب التهذیب، ۳۲۸/۲؛ الاصابة، ۶۴۲/۳؛ رجال صحیح البخاری، ۷۵۹/۲-۷۶۰ (رقم ۱۲۷۳)؛ رجال شیخ طوسی، ص ۶۱؛ رجال برقی، ص ۵؛ منتهی المقال، ۳۹۸/۶-۳۹۹؛ قاموس الرجال تستری، ۲۶۴/۹-۲۶۵؛ معجم رجال الحدیث، ۲۰۳/۱۹-۲۰۸.

کوفه بود.

شعبی، ابواسحاق سیعی، اسماعیل بن ابی خالد، حکم بن عتبه، سلمه بن کهیل و عون فرزند خودش، از وی حدیث شنیده و روایت کرده‌اند.

ابوجحیفه در زمان حکومت بشر بن مروان در کوفه، چشم از جهان فرو بست. برخی هم نوشته‌اند که تا سال هشتاد هجری نیز زنده بوده است.

بخاری در کتابهای علم، وضو، صلاة، اذان، صوم، بیوع، جهاد، مناقب، مناقب الانصار، نکاح، طلاق، اطعمه، اشربه، لباس، ادب و دیات از او حدیث نقل کرده، که این دو حدیث از آن جمله است:

«عن اسماعیل بن ابی خالد، قال: سمعت اباجحیفه (رض)، قال: رأیت النبی (ص) و کان الحسن بن علی (ع) یشبهه، قلت لابی ححیفه: صفه لی، قال: کان ابیض قد شمط و امر لنا النبی (ص) بثلاث عشر قلوفاً، قال: فقبض النبی (ص) قبل ان نقبضها.»^۱

«حدّثنا ابن سلام، قال: اخبرنا وکیع، عن سفیان، عن مطرف، عن الشعبي، عن ابی جحیفه، قال: قلت لعلی هل عندکم کتاب؟ قال: لا، الا کتاب الله، او فهم اعطیه رجل مسلم، او ما فی هذه الصحیفة، قال: قلت و ما فی هذه الصحیفة؟ قال: العقل و فکاک الاسیر و لا یقتل مسلم بکافر.»^۲

منابع

اختیار معرفة الرجال (المعروف برجال الکشی)، شیخ طوسی، به کوشش حسن مصطفوی، ۱۳۴۸ ش؛ الاستیعاب فی معرفة الاصحاب، ابن عبدالبرّ، یوسف بن عبدالله، به کوشش علی محمد بجاوی، قاهره، در حاشیه الاصابة، ۱۹۶۰ م؛ اسد الغابة فی معرفة الصحابة، ابن اثیر جزری، قاهره، ۱۹۷۱ م؛ الاصابة فی تمييز الصحابة، ابن حجر عسقلانی، به کوشش علی محمد بجاوی، قاهره، ۱۹۶۰ م؛ الاکمال، ابن ما کولاً، به کوشش عبدالرحمان یمانی، حیدرآباد دکن، ۱۹۶۲ - ۱۹۶۶ م؛ امالی، شیخ مفید، به کوشش حسین استاد ولی و علی اکبر غفاری، قم، ۱۴۱۳ ق (مجلد ۱۳ مصنّفات الشیخ المفید)؛ الانساب، عبدالکریم سمعانی، به کوشش عبدالرحمان معلمی یمانی، بیروت،

۱۹۸۱ م؛ بحار الانوار، علّامة مجلسی، محمّدباقر، بیروت، ۱۴۰۳ ق / ۱۹۸۳ م؛ البدایة و النهایة، ابن کثیر، قاهره، ۱۳۵۱ - ۱۳۵۸ ق؛ تاریخ، ابن معین، به کوشش احمد محمّد نور سیف، مکه المکرمة، ۱۹۷۹ م؛ تاریخ الاسلام، ذهبی، به کوشش عمر عبدالسلام تدمری، بیروت، ۱۴۰۷ ق / ۱۹۸۷ م تا ۱۴۱۲ ق / ۱۹۹۱ م؛ تاریخ اسماء الثقات، ابن شاهین ابو حفص عمر، به کوشش صبحی سامرائی، کویت، ۱۴۰۴ ق؛ تاریخ بغداد، خطیب بغدادی، مصر، ۱۹۴۸ م و بیروت، دارالکتاب العربی، افسس؛ تاریخ الثقات، عجلی، احمد بن عبدالله، به ترتیب حافظ هیثمی نورالدین، به کوشش عبدالمعطی قلجعی، مکه المکرمة؛ تاریخ خلیفة بن خیاط، به کوشش سهیل زکّار، دمشق، ۱۹۶۷ - ۱۹۶۸ م؛ تاریخ الصغیر، ابو عبدالله بخاری، به کوشش محمود ابراهیم زاید، حلب، ۱۳۹۷ ق؛ تاریخ الکبیر، ابو عبدالله بخاری، به کوشش معلمی یمانی، حیدرآباد دکن، ۱۳۸۰ ق؛ تذکرة الحفاظ، ذهبی، به کوشش عبدالرحمان معلمی یمانی، حیدرآباد دکن، ۱۳۷۷ ق؛ تقریب التهذیب، ابن حجر عسقلانی، به کوشش عبدالوهاب عبداللطیف، قاهره، ۱۳۸۰ ق؛ تهذیب الاسماء و اللغات، نووی، یحیی بن شرف، قاهره؛ تهذیب التهذیب، ابن حجر عسقلانی، حیدرآباد دکن، ۱۳۲۵ - ۱۳۲۷ ق؛ تهذیب الکمال، جمال‌الدین یوسف میزی، به کوشش بشّار عوّاد معروف، بیروت، ۱۴۱۳ ق / ۱۹۹۲ م؛ ثقات، ابن حبان، ابو حاتم بستی، به کوشش محمّد المعید خان، حیدرآباد دکن، ۱۹۷۳ - ۱۹۸۳ م؛ الجرح و التعذیل، ابن ابی حاتم رازی، به کوشش عبدالرحمان معلمی یمانی، حیدرآباد دکن، ۱۳۲۳ ق؛ رجال، ابن داود حلّی، تقی‌الدین، به کوشش سید محمّد صادق بحر العلوم، نجف اشرف، مطبعة الحیدریة؛ رجال، برقی، احمد بن عبدالله، تهران، ۱۳۴۳ ش؛ رجال (خلاصة الاقوال)، علامه حلّی، به کوشش سید محمّد صادق بحر العلوم، نجف اشرف، ۱۳۸۱ ق؛ رجال صحیح البخاری، کلاباذی بخاری، احمد بن محمّد، به کوشش عبدالله لثی، بیروت، ۱۴۰۷ ق / ۱۹۸۷ م؛ رجال، شیخ طوسی، به کوشش سید محمّد صادق بحر العلوم، نجف اشرف، ۱۳۸۱ ق / ۱۹۶۱ م؛ رجال، کشی، به کوشش سید احمد حسینی، کربلا، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات؛ رجال، نجاشی، ابوالعباس احمد بن علی، به کوشش سید موسی

۱. صحیح بخاری، ۴۱۱/۶ - ۴۱۲ (کتاب مناقب، باب صفة النبی (ص)).

۲. صحیح بخاری، ۳۶/۱ (کتاب العلم، باب ۳۹).



شبيري زنجاني، قم، ١٤٠٧ ق؛ سير اعلام النبلاء، ذهبى، به كوشش شعيب الارنؤوط و حسين اسد و ديگران، بيروت، ١٤١٠ ق / ١٩٩٠ م؛ السيرة النبوية (سيرة ابن هشام)، به كوشش مصطفى السقا، ابراهيم ابيارى، عبدالحفيظ شلبي، بيروت، ١٣٩١ ق / ١٩٧١ م؛ سنن (الجامع الصحيح)، الترمذى، به كوشش احمد شاكر و ديگران، قاهره، ١٩٣٨ - ١٩٦٢ م؛ شذرات الذهب، ابن عماد حنبلى، قاهره، ١٣٥٠ ق؛ صحيح، بخارى، ابو عبدالله محمد بن اسماعيل، استانبول، دارالدعوة، ١٤٠١ ق / ١٩٨١ م؛ طبقات الكبرى، ابن سعد، به كوشش احسان عباس، بيروت، ١٤٠٥ ق / ١٩٨٥ م؛ طبقات الحفاظ، جلال الدين سيوطى، به كوشش على محمد عمر، قاهره، ١٩٧٣ م؛ طبقات الحنابلة، ابن ابى يعلى، به كوشش محمد حامد الفقى، قاهره، ١٩٥٢ م؛ طبقات خليفة بن خياط، به كوشش اكرم ضياء عمري، رياض، ١٩٨٢ م و سهيل زكار، دمشق، ١٩٦٦ م؛ طبقات الشافعية الكبرى، عبد الوهاب سبكي، به كوشش عبدالفتاح الحلو و محمود الطناحى، قاهره، ١٩٦٤ - ١٩٧٦ م؛ طبقات المفسرين، شمس الدين داودى، بيروت، ١٤٠٣ ق / ١٩٨٣ م؛ العبر، ذهبى، به كوشش ابوهاجر محمد السعيد بن بسونى زغلول، بيروت، ١٤٠٥ ق / ١٩٨٥ م؛ العلل و معرفة الرجال، احمد بن حنبل، به كوشش طلعت فرج و اسماعيل جراح، انقره (آنكارا)، ١٩٦٣ م؛ غاية النهاية (في طبقات الفقهاء)، ابن جزرى، شمس الدين محمد، به كوشش برجستراسر، قاهره، ١٩٣٢ - ١٩٣٣ م؛ الفهرست، ابن نديم، به كوشش رضا تجدد، تهران، ١٣٩٣ ق / ١٩٧٣ م؛ الفهرست، شيخ طوسى، بيروت، ١٤٠٣ ق / ١٩٨٣ م؛ قاموس الرجال، محمد تقى تسترى، به كوشش مؤسسة النشر الاسلامى، قم، ١٤١٠ ق و چاپ تهران؛ الكاشف، ذهبى، بيروت، ١٩٨٣ م؛ الكافى، كلينى، محمد بن يعقوب، به كوشش على اكبر غفارى، بيروت، ١٤٠٥ ق؛

١٩٨٥ م؛ الكامل، ابن اثير، عز الدين، بيروت، ١٩٦٥ - ١٩٦٧ م؛ كنز العمال، متقى هندى، بيروت، ١٩٧٩ م؛ اللباب فى تهذيب الانساب، ابن اثير، عز الدين، مصر، ١٣٥٦ - ١٣٦٩ ق؛ مرآة الجنان، شافعى، حيدرآباد دكن، ١٣٣٧ - ١٣٣٩ ق؛ مروج الذهب، المسعودى، به كوشش يوسف اسعد داغر، دارالاندلس بيروت ١٩٦٥ م؛ مسند، احمد بن حنبل، مصر، ميمنيه، ١٣١٣ ق؛ مصنفات شيخ مفيد (الجمال)، به كوشش سيد على مير شريفى، قم، ١٤١٣ ق / ١٣٧١ م؛ معارف، ابن قتيبه، به كوشش ثروت عكاشة، قاهره، ١٩٦٩ م؛ معجم رجال الحديث، ابوالقاسم خوئى، بيروت، ١٤٠٣ ق / ١٩٨٣ م؛ معجم الكبير، طبرانى، به كوشش حمدى عبدالمجيد سلفى، مكتبة التوعية الاسلامية، بغداد، ١٣٩٨ ق؛ المعرفة و التاريخ، فسوى، يعقوب بن سفيان، به كوشش اكرم ضياء عمري، بيروت، ١٩٨١ م؛ المغازى، واقدى، محمد بن عمر، به كوشش مارسدن جونز، بيروت، ١٤٠٤ ق / ١٩٨٤ م؛ مفتاح السعادة، طاش كبرى زاده، به كوشش بكرى و عبد الوهاب ابوالنور، قاهره، دارالكتب الحديثة؛ منتهى المقال، ابو على حائرى، به كوشش مؤسسة آل البيت (ع)، قم، ١٤١٦ ق؛ موضح اوهام الجمع و التفريق، خطيب بغدادى، حيدرآباد دكن، ١٣٧٩ ق / ١٩٦٠ م؛ ميزان الاعتدال، ذهبى، به كوشش على محمد بجاوى، قاهره، ١٩٦٣ م؛ النجوم الزاهرة، ابن تغرى بردى، قاهره، ١٩٢٩ - ١٩٥٦ م؛ نقد الرجال، تفرشى، سيد مصطفى حسيني، به كوشش مؤسسة آل البيت (ع)، قم، ١٤١٨ ق؛ الوافى بالوفيات، صفدى، به كوشش جمعية المستشرقين الالمانية، بيروت، ١٩٦٢ - ١٩٨٣ م؛ وفيات الاعيان، ابن خلكان، به كوشش احسان عباس، بيروت، ١٩٦٨ م؛ هدى السارى فى مقدمة فتح البارى، ابن حجر عسقلانى، قاهره، السلفية، ١٣٩٠ ق؛

